

محمدعلی شکوهیان‌راد  
 پژوهشگر حوزه بین الملل

## جایگزین نظم جدید جهانی

اصطلاح نظم جدید جهانی یک اصطلاح قدیمی است که به هر دوره‌ای از تاریخ که با تغییری چشمگیر در اندیشه سیاسی و توازن قوا در جهان همراه بوده‌است، اطلاق می‌گردد. مراد و منظور این اصطلاح، جهانی‌سازی بر مدار اندیشه و نوع نگاه قدرت‌های حاکم در آن عصر به انسان و جامعه است. به عبارت دیگر، جریانات فعال بین‌المللی که به دنبال ایجاد نظم جدید جهانی بودند، دقیقاً می‌دانستند که چه چیزهایی را می‌خواهند و چه چیزهایی را نمی‌خواهند. بدین معنا که ابتدا موانع تحقق نظم جدید جهانی مورد انتظار خود را برطرف نموده و از این‌گذر، مطلوبات خود را عملیاتی و اجرایی می‌ساختند.

همانگونه که اشاره شد مفهوم نظم جهانی از دیرباز و حدود بیش از حدود یکصد سال پیش مطرح بود. در آن زمان نخستین مقطعی که پس از آن نظم جدیدی بر جهان حاکم شد را می‌توان جنگ جهانی اول دانست. با پایان یافتن این جنگ و فروپاشی امپراتوری‌های پروس و عثمانی و قدرت گرفتن دیگر امپراتوری‌ها، نظم جدیدی بر جهان حاکم شد. ایالات متحده آمریکا که بیرون از محیط جنگ بوده و برتری جغرافیایی داشت توانست در سال‌های آخر جنگ با حضور خود سهم مهمی در تقسیم قدرت و عنایم داشته باشد. نظم ایجاد شده، در خلال سال‌های بین جنگ جهانی اول و دوم (۱۹۱۸ تا ۱۹۳۹ میلادی) بر جهان حاکم بود و این موضوع یکی از مواردی بود که گروهی از کشورها نظیر آلمان - که هیتلر، رهبری آن را بر عهده داشت - با آن مخالفت می‌ورزیدند. در ادامه تقابل برخی دولت‌ها با این نظم تا حدی شد که شعله‌های جنگ جهانی دوم شعله‌ور شده و دوباره کشورهای مختلف در قالب صفوف متحدین و متفقین وارد جنگ جهانی دوم شدند. با وجود اینکه تا نیمه‌های جنگ، برتری با آلمان و متحدینش بود اما در نهایت با تضعیف آلمان، ورود آمریکا به جنگ و در نهایت استفاده از دو بمب اتمی سرنوشت این جنگ نیز خاتمه یافت و در طی آن امپراتوری‌های آلمان و ژاپن متلاشی شدند...

ادامه مطلب را در صفحه زیر بخوانید:

پرونده ویژه مسیر تحقق تمدن نوین اسلامی در نظم جدید جهانی؟

# قلمرو نسبت‌ها

سهیل سلیمی



مدن سازی خلق نکردیم  
 رسانه پیشرویی در حوزه

۷

فواد ایزدی



ایستاده در برابر استکبار

۵

سید مهدی میرباقری



نسبت جمهوری اسلامی  
 با نظم جهانی

۳



جهانی تشکیل شد. این سازمان از آن زمان تا کنون زیرمجموعه‌های مختلفی داشته یا تشکیل داده و در حوزه‌های مختلف از امنیت و آموزش گرفته تا تجارت، غذا و بهداشت ورود کرده است. ایالات متحده آمریکا برای فشار آوردن به کشورهای مختلف نظیر ایران بارها و بارها پرونده‌ی ایران را در شوراهای و کمیسیون‌های مختلف این سازمان برده و بارها ایران را در حوزه‌ی تحقیقات اتمی، حقوق بشر و دیگر موارد محکوم کرده است.

صدور رأی در این کمیسیون‌ها و شوراهای سبب شده تا برخی از تحریم‌های بین‌المللی در کشور حاصل چنین آرائی باشد. مشابه با شرایطی که بر سر ایران آمد، ایالات متحده با اجماع جهانی در سازمان ملل علیه کشور عراق کاری کرد تا چندین کشور در این حمله‌ی جهانی علیه صدام حسین دیکتاتور عراق شرکت کنند و توانست از طریق این سازمان یک اجماع جهانی پدید آورد. جالب توجه است که مراکز تحت نظر این سازمان نظیر سازمان بهداشت جهانی که در حوزه‌ی بهداشت و سلامت فعالیت دارد و سازمان یونسکو که در حوزه آموزش فعال است در بسیاری از کشورها حضور مستمر و فعال دارند. در کنار موارد عنوان شده می‌توان پاندمی کووید-۱۹ و استیلای سازمان بهداشت جهانی بر پروتکل‌ها و اقدامات کشورهای جهان در راستای مقابله با کووید-۱۹ را یکی دیگر از موارد دانست که در سال‌های اخیر سازمان ملل به دنبال گسترش جایگاه رهبری و هدایت خود است.

این در حالی است که طبق اسناد رسمی ارتش آمریکا، سازمان ملل و تمام زیرمجموعه‌های آن از حیث هرگونه اقدام در هر کجای جهان باید با نیروهای مسلح آمریکا هماهنگ باشند. مبتنی بر نمودار صفحه‌ی ۲۰ بخش دوم سند «دکترین نیروهای مسلح ایالات متحده» مورخ ۱۲ جولای ۲۰۱۷، تمامی اقدامات سازمان ملل و همه‌ی زیرمجموعه‌های آن مانند یونسکو، مرکز منطقه‌ی جهان باید با هماهنگی و تأیید فرمانده «مرکز عملیات‌های غیرنظامی و نظامی» ارتش آمریکا انجام پذیرد.

حال در این میان مساله‌ای که مطرح می‌شود این است که اگر بازیگری سازمان ملل و زیرمجموعه‌های آن را برای آینده‌ی جهان در قالب نظم جدید جهانی بپذیریم یا اینکه نقش آفرینی این سازمان‌ها را در دوره گذار قدرت باور داشته باشیم، این بازیگری باید توسط یک طرح راهبردی جهانی و به‌دنبال آن، برنامه‌ی عملیاتی جهانی برای اجرای آن راهبرد، محقق و میسر شود. پرسش بسیار مهم و کلیدی این است که این طرح راهبردی و برنامه‌ی عملیاتی آن چیست؟

**سند توسعه پایدار؛ آن طرح کلان**

در سال ۲۰۱۵ میلادی سندی تحت عنوان «دستور کار ۲۰۳۰ برای توسعه پایدار» و شعار «دگرگون ساختن جهان ما» توسط کشورهای عضو سازمان ملل متحد معرفی شده و امضا شد که این سند پس از سند توسعه هزاره که تا سال ۲۰۱۵ میلادی به پایان می‌رسید، مسئول شکل دادن آینده جهان در ۱۵ سال بعد بود. این سند در نهایت در سپتامبر همان سال به امضای رؤسای دولت‌ها رسید.

سند توسعه پایدار ۲۰۳۰ که امتداد و استمرار سند اهداف توسعه‌ی هزاره‌ی ۲۰۱۵ می‌باشد، شامل ۱۷ هدف کلان و ۱۶۹ زیر هدف برای اهداف کلان است که نقشه‌ی راه جامعه‌ی بین‌المللی را در مسیر توسعه‌ی پایدار (تحقق نظم جدید جهانی) ترسیم می‌کند. این اهداف و زیر اهداف که به هم وابسته بوده و جدایی‌ناپذیر هستند و ماهیتی جهانی دارند، مشخص می‌سازند که زمان تعیین شده هر یک از کشورها باید به کجا رسیده و چه برنامه‌هایی را در سطح ملی پیاده سازی کنند. هرچند که تشخیص و تعیین چگونگی انجام اهداف فرعی و اهداف کلان جهانی در فرایندهای برنامه‌ریزی، سیاستگذاری و راهبردهای ملی بر عهده‌ی خود دولت‌ها گذاشته شده است. به بیان دیگر این سند در پی این است که دولت‌ها به دنبال پیاده‌سازی آن اهداف و انطباق شرایط ملی خود با چهارچوب‌های مشخص شده در نظم جدید جهانی پیش رو باشند.

حال اینکه هر دولت چگونه برای اجرای سند توسعه‌ی پایدار ۲۰۳۰ اقدام نماید به خود آنها مربوط است، اما برای تعیین میزان انطباق عملکرد هر دولت با اهداف کلان این سند، شاخص‌هایی برای هر هدف تعریف شده که از قیاس وضعیت هر کشور با آن شاخص‌ها معین می‌شود آن دولت تا چه حد نسبت به پیاده‌سازی اهداف کلان و ویژه موفق بوده و نقاط افتراق فعلی، دقیقاً کجا



**جایگزین نظم جدید جهانی**

بین‌المللی هستند که بسیاری از آنها امکان اثرگذاری بر سیاست‌های یک کشور بزرگ را دارند نظیر خانواده‌ی راکفلر و روچیلد. هنری کیسینجر دیگر نظریه پرداز این حوزه در کتاب «نظم جهانی» خود می‌نویسد: «در واقع هیچوقت نظم جهانی واقعاً جهانی وجود نداشته است». با این حال در دوره‌هایی یک نظم و نظام غالب وجود داشته است که نخستین مورد آن در دوره جدید و تحت عنوان «نظم جهانی» به چهار قرن پیش بازمی‌گردد. در میانه قرن هجدهم و پس از جنگ‌های مذهبی ۳۰ ساله در اروپا، نمایندگان کشورهای بزرگ اروپا در سالن شهرداری شهر مونستر آلمان گرد هم آمدند و پیمان وستفالی را امضا کردند. این پیمان اولین نظم جهانی را شکل داد در حالی این پیمان و وضعیت پس از آن، نخستین نظم جهانی نامیده می‌شود که مردمان و حکومت‌های مستقر در دیگر قاره‌های زمین، نه تنها دخالتی در شکل‌گیری آن نداشتند بلکه حتی بسیاری از آنان از این موضوع بی‌خبر نیز بودند.

الکساندر دومارانش رئیس اسبق دستگاه اطلاعاتی فرانسه نیز از دیگر نظریه پردازان این حوزه بود. وی شرایط جهان پس از پیروزی انقلاب اسلامی را با عنوان «جنگ جهانی چهارم» نام‌گذاری کرده و دشمن اصلی دنیای غرب را «ایرانیان شیعه» می‌داند. برای نمونه، او در کتاب جنگ جهانی چهارم ادعا داشته است: ایران که توسط مذهب اسلام شیعی هدایت می‌شود درست در آسیب‌پذیرترین قسمت‌های مرز جنوبی شوری واقع است. در نتیجه سال‌هاست که کرملین این خطر را دریافته است و سعی در نزدیکی به حاکمان ایران داشته است... کرملین بیشتر از ما از روحانیون ایران می‌ترسد. بنابراین اقدامات روس‌ها اگر چه به زحمت نتیجه‌بخش و موفقیت‌آمیز بوده تماماً تلاش‌هایی برای سازمان‌دهی و جذب رده‌های پایین‌تر در ایران بوده است. ایرانی‌ها افراد سرسخت خاورمیانه هستند که وقتی دارای احساس مذهبی می‌شوند دو برابر خطرناک‌تر می‌شوند. لذا درک آنها، مطالعه‌ی آنها و نبرد با آنها در سطوح مختلف، نسبت به هر زمان دیگری از اهمیت بیشتری برخوردار است. بنا به تمامی این دلایل در حال حاضر ایرانیان چند برابر خطرناک‌تر هستند. ایرانیان شیعه به خوبی برای درگیری که همیشه بخش جدایی‌ناپذیر تاریخ، فرهنگ و مذهب آنها بوده است، آماده شده‌اند. در نهایت دومارانش با این جمله‌ی کلیدی، توصیف هسته‌ی مرکزی جبهه‌ی دشمن در جنگ جهانی چهارم را به پایان می‌رساند: امروزه ایران وطن کسانی است که هنوز منتظر ورود امام دوازدهم هستند و هنوز از نام علی (علیه‌السلام) با قاطع‌ترین شکل ممکن دفاع می‌کنند.

**نقش آفرینی در دوره گذار قدرت**

همانگونه که اشاره شد پس از جنگ جهانی دوم، سازمان ملل متحد در قالب نقش آفرینی در عرصه‌ی مناسبات

توانستند رشد اقتصادی بالایی را رقم بزنند و اصطلاحاً به ۴ ببر اقتصادی آسیا لقب گیرند. علاوه بر آنها روسیه توانست با ریاست جمهوری پوتین از دوران فروپاشی بزرگ خود عبور کند و دوباره در قامت یک قدرت بین‌المللی ظاهر شود. همچنین چین نیز در عرصه‌ی اقتصادی رشد کرده و تبدیل به یک قدرت اقتصادی شد. اما یک نظام سیاسی در این بین، رشد ویژه‌ای نمود به‌گونه‌ای مهم‌ترین متکفران غرب نظیر ساموئل هانتینگتون، هنری کیسینجر، الکساندر دومارانش، برژنسکی و... دریافتند نه تنها خبری از نظام تک‌قطبی غرب در جهان آینده نیست، بلکه این بار رقیب سرسخت آنها توان حذف کامل قدرت غرب از صحنه‌ی جهانی را دارا است، زیرا الگویی متفاوت برای حکمرانی ارائه نموده که مورد استقبال دیگر ملت‌ها قرار خواهد گرفت. نظامی با نام جمهوری اسلامی ایران که انقلاب اسلامی را به جهان معرفی نموده و الگوی تمدن نوین اسلامی را بنا گذاشته است.

در حدود یک دهه‌ی گذشته، پیش‌بینی‌های اولیه در خصوص انتقال قدرت از غرب به شرق انجام شده بود و برخی آینده‌شناسان نظیر ریچارد واتسون (رئیس مرکز آینده‌شناسی «حال و آینده» در آمریکا) انتقال قدرت را یکی از رخداد‌های قطعی و مهم جهانی تا سال ۲۰۵۰ میلادی می‌دانستند. حال در این تغییر قدرت مساله دو چیز بود:

نخست اینکه طبق برآوردهای صورت گرفته، کانون قدرت از غرب به شرق منتقل خواهد شد. ثانیاً قدرت از حالت متمرکز بودن خود خارج شده و توزیع خواهد شد. به این معنا که این بار یک یا دو کشور صاحب قدرت کلی جهان نخواهند بود و کشورهای مختلف هر یک در حوزه‌ی قدرتمند خواهند شد. در این میان مساله این بود که آیا دنیای غرب به راحتی حاضر به این تغییر کانونی و از دست دادن قدرت خواهد بود یا حتی برای این دوران که یک دوره گذار از نظم تک‌قطبی به چند قطبی نامیده می‌شود نیز طرحی دارد تا جهان را تحت برتری و استیلای خود نگه دارد؟ اما شاید بهتر باشد ابتدا در خصوص نظریه پردازانی که متولی تفکر و اجرای نظم جدید جهانی هستند صحبت شود تا بر اساس آن بتوان مبانی فلسفی، نظری، عملی، اهداف اصلی آنها را دریافت و سپس به بررسی طرح مطرح شده پرداخت.

**نظم جدید جهانی در قلم متفکرین**

برای شناخت برخی از ابعاد و جوانب نظم نوین جهانی از جمله هویت بازیگران آن می‌توان کتاب تاویستاک به قلم جان کلمن (از افسران سازمان MIB بریتانیا) را که یکی از دقیق‌ترین و جامع‌ترین آثار این حوزه بوده و در ایران با نام «اشراف سیاه» ترجمه و منتشر شده بررسی کرد. کلمن در کتاب مذکور به سازماندهی ساختار قدرت در جهان پرداخته و مجامعی نظیر کمیته‌ی ۳۰۰، بیلدربرگ، باشگاه رم و... را معرفی می‌نماید. عموم افراد عضو این مجامع، خاندان‌های فوق ثروتمند و دارای نفوذ



محمدعلی شکوهیان راد پژوهشگر حوزه بین‌الملل

ادامه سر مقاله... پس از جنگ جهانی دوم و پیاده سازی نظم جدید حول دو قدرت آن زمان یعنی اتحاد جماهیر شوروی و ایالات متحده آمریکا، در ادامه کشورهای دیگر حول این دو قدرت گرد هم آمدند و دو پیمان مهم بین‌المللی به نام های ناتو و ورشو شکل گرفت. البته این تمام ماجرا نبود و از همان سال‌های آغازین این نظم جدید حاکم بر جهان، سازمان‌هایی نظیر سازمان ملل متحد و قدرت یافتن آن سازمان و البته آژانس‌های زیرمجموعه‌اش در حوزه‌های مختلف همراه بود. به عبارتی دیگر این بار قدرت‌های حاکم بر جهان به دنبال پیاده سازی یک نظم حقوقی و بین‌المللی بر جهان بودند. البته این موضوع پایان ماجرا نبود و تقسیم جهان به شرق و غرب سبب شد تا دو امپراتوری شوروی و آمریکا به تقابلی حدود ۴۵ ساله در قالب جنگ جهانی سوم - که در ادبیات فارسی به جنگ سرد شناخته می‌شود- بپردازند. هرچند در این سال‌ها جنگ نظامی در نگرش اما بارها تا مرز حمله‌ی اتمی و جنگ تمام عیار پیش رفته شد.

با فروپاشی امپراتوری شوروی در زمستان ۱۹۹۱ میلادی، بلوک غرب به رهبری آمریکا خود را یکه‌تاز جهان می‌دانست؛ مطلبی که از متون برخی متکفران مانند فرانسیس فوکویاما در کتاب «پایان تاریخ» گرفته تا رئیس‌جمهور آمریکا به آن اشاره نمودند. تا آنجا که بوش پدر، رئیس‌جمهور وقت ایالات متحده در سخنرانی خود به مناسبت حمله‌ی آمریکا به عراق در جنگ نخست خلیج فارس بیان داشت که آمریکا به دنبال پیاده‌سازی نظم جدید جهانی است.

این ادبیات و مفهوم عنوان شده حدود یک دهه بعد نیز توسط فرزند وی، جورج دابلیو بوش دنبال گردید و دو لشکرکشی آمریکا به منطقه‌ی غرب آسیا (جنگ افغانستان در سال ۲۰۰۱ و عراق در سال ۲۰۰۳ میلادی) آغاز شد. اما در نهایت پس از سال‌ها اشغال نظامی، نفوذ آمریکا در هر دو کشور به‌شدت کاهش یافت و ارتش آمریکا نهایتاً مجبور به خروج از افغانستان و از دست دادن اداره‌ی سیاسی عراق شد که در این راستا می‌توان به عناوین نمایندگان آمریکا در عراق که در سال اول فرماندار آمریکا در عراق، در سال دوم به‌عنوان نماینده تام‌الاختیار آمریکا در عراق و در سال سوم سفیر آمریکا در عراق بودند، توجه داشت.

**جابه‌جایی قدرت از غرب به شرق**

در سال‌های پس از جنگ سرد و شکل‌گیری نظم تک قطبی جهان، روز به روز بر تعداد کشورهایی که قدرتمند تر می‌شدند افزوده می‌شد. در برهه‌ای از تاریخ کشورهای آسیایی نظیر کره جنوبی، سنگاپور، تایوان و هنگ کنگ



# نسبت جمهوری اسلامی با نظم جدید جهانی

است. در کنار این موضوع هر دولت گزارشات سالیانه‌ای را از روند پیاده سازی برنامه های خود ارائه می دهد که این گزارشات سالیانه به بررسی اقدامات و نتیجه حاصل از آن توسط سازمان های بین المللی کمک می کند. وظیفه ی بررسی و ارزیابی عملکرد دولت ها در مسیر اهداف سند توسعه ی پایدار ۲۰۳۰ نیز بر عهده ی سازمان ها و نهادهای خاص همان هدف است که به عنوان ناظر برای هر هدف تعیین شده اند. لذا در سطح نخست، پیاده سازی اهداف در کشورهای مختلف توسط دولت ها و حکومت های مستقر آنان صورت خواهد پذیرفت. در سطح دوم، مجامع بالادستی و مراکز بالاتر از دولت های ملی حضور دارند که شامل کمیسیون های تخصصی در هر یک از اهداف هفده گانه هستند. در سطح سوم نیز، مجمع سیاسی عالی رتبه که زیر نظر مجمع عمومی و شورای اجتماعی و اقتصادی سازمان ملل متحد فعالیت می کند، مسئولیت نظارت بر امور پیگیری و بررسی اجرای اهداف سند توسعه ی پایدار ۲۰۳۰ را در سطح جهان بر عهده دارد.

## تمدن نوین اسلامی؛ جایگزین نظم جدید جهانی

در تعریفی مختصر میتوان تمدن نوین اسلامی را، عبارت از ظهور و بروز مادی و معنوی پیشرفت های هدفمند، سیستماتیک و نوظهور امت اسلامی، با محوریت ایران به عنوان سرزمین مادری و مولد آن، بر اساس تعالیم اسلامی در تمامی عرصه ها و ابعاد قدرت دانست. حال به منظور نیل به این تمدن یعنی رسیدن به هویت حقیقی آن لازم است تا از ظرفیت های موجود در جهان اسلام و به خصوص ظرفیت های بالقوه و بالفعل جمهوری اسلامی ایران آگاهی حاصل شود. این تمدن، تمدنی خواهد بود که مؤلفه های آن مبتنی بر آموزه های اسلام ناب است و برخوردار از ویژگی هایی است که در چارچوب آموزه های قرآنی و متکی بر سنت نبوی خواهد بود. تمدن اسلام که بیش از ۱۴۰۰ سال قدمت دارد، در مدت ۱۴ قرن گذشته با فراز و نشیب های فراوانی مواجه شده است. گاهی در اوج که تا قرن های ۵ الی ۶ هجری قمری ادامه دارد و گاهی در رکود و خاموشی در سده های بعد از قرن ۶ تا دوران معاصر تداوم یافته است.

از منظر رهبر معظم انقلاب اسلامی (مدظله العالی) هدف انقلاب اسلامی، دستیابی و نیل به تمدن نوین اسلامی است که برای دستیابی به آن باید ۵ مرحله اساسی اعم از انقلاب اسلامی، نظام اسلامی، دولت اسلامی، جامعه اسلامی و تمدن اسلامی سپری شود. ایشان در این رابطه می فرمایند: «یک زنجیره ی منطقی وجود دارد؛ حلقه ی اول، انقلاب اسلامی است، بعد تشکیل نظام اسلامی است، بعد تشکیل دولت اسلامی است، بعد تشکیل جامعه ی اسلامی است، بعد تشکیل امت اسلامی است. از منظر رهبران انقلاب، انقلاب اسلامی به عنوان آغازگر تجدید حیات تمدن نوین اسلامی برای امت اسلامی و جوامع اسلامی، پیام احیای هویت اسلامی و بازگشت به اسلام را به ارمان آورده است و در این راستا راهکارهای ضروری برای فهم مباحث اسلامی به شکل کارساز و کارآمد مورد توجه قرار داده است.

در تمدن نوین اسلامی، اصل حاکمیت اله است و زیربنای فکری این تمدن رشد و تعالی همه جانبه انسان در ساخت دنیا و آخرت است. البته هر چند انسان محوری در تمدن نوین اسلامی اصل نیست ولی دلیل بر این نمی شود که جایگاه و کرامت انسان نادیده گرفته شود. برقراری امنیت و آرامش در جامعه را شاخص دیگر تمدن نوین اسلامی است زیرا که پیشرفت در جامعه بدون امنیت و آرامش در سطوح مختلف حاصل نمی شود. علم و معرفت شاخص سوم تمدن نوین اسلامی است. مسلماً جامعه اسلامی که تمدن ساز باشد علم و معرفت را سرلوحه خود قرار می دهد. چهارمین شاخص تمدن سازی عقلانیت است که جایگاه بسیار مهمی در این زمینه دارد. امروزه نگاه های غیر منطقی و نامعقول از متون دینی باعث بسیاری از گرفتاری ها و مصائب در دنیا شد، به همین دلیل باید در تمدن نوین اسلامی به عقلانیت توجه ویژه ای کرد. وحدت و همبستگی میان مسلمان اصل دیگر شاخص تمدن نوین اسلامی است. بدون وحدت و روابط همدلانه میان مذاهب مختلف اسلام تحقق تمدن نوین اسلامی حاصل نمی شود. یکی از اصول مسلم در تمدن نوین حاکم بودن وحدت و همبستگی است.

با توجه به ظرفیت های تمدن اسلامی که در سال های اخیر برخی از آنها نظیر مقابله با تروریسم بین المللی داعش نمایان شده، به نظر میرسد در آینده ای نه چندان دور شاهد تقابل های گسترده ای بین این دو خواهیم بود.

مرکزی دارد و شورای امنیت دارد بدین گونه نبوده است. در کشور ایران هم دیده می شود در دوره قاجار و قبل از آن این نظم متمرکز وجود نداشته است. پس از این دوران یک قانون اساسی برای جهان نوشتند و با موازین دولت ملت ها یک دولت مرکزی ذیل سازمان ملل شکل دادند و در مقابل هر وزارتخانه که ما داریم یک نهاد بین المللی قرار دادند و پیمان های بین المللی هم شکل دادند و البته بر محور قدرت های بزرگ که کاملاً پیداست یک چنین اتفاقی در جهان شکل گرفت و تقریباً طولی نکشید که یک سلسله معاهدات بین المللی هم محقق و مصوب شدند که به بعضی از آنها اشاره خواهیم کرد.

در ادامه به دنبال آن کنفرانس معروف، دلار محور مناسبات مالی جهان شد که این یک بحث پیچیده ای است که چطور شد این اتفاق افتاد و بعد از آن بانک جهانی و صندوق بین المللی پول شکل گرفت که در صدد مدیریت مناسبات مالی جهان هستند. در پی آن پیمان های نظامی برای کنترل نظامی جهان مانند ناتو و سنتو و امثال این ها شکل گرفت و سازمان تجارت جهانی در صدد کنترل تجارت در مقیاس جهانی برای این امر شکل گرفت و فائو برای کنترل صنایع غذایی و کشاورزی و دامداری و امثال این ها و البته بقیه نهادها که یکی از مهمترین آنها یونسکو است در صدد کنترل مناسبات فرهنگی جهان و مناسبات علمی و آموزشی جهان صورت گرفته است. همانطور که مشاهده می کنید این یک نظم است که هم اکنون تقریباً نظم حاکم بر جهان است و یک قانون اساسی است که جهان با آن اداره می شود. حال جامعه ای که بوسیله آن شکل می گیرد در مجامع بین الملل و با این قانون اساسی اداره می شود در واقع جامعه بازار است.

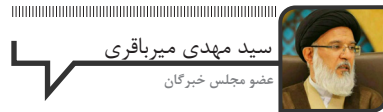
جامعه بازار جامعه ای است که در نظریات اجتماعی، گویا فقط حقوق برابر به حساب ظاهر برای همه انسان ها قائل است و همه انسان ها در آن مشارکت می کنند و هر چه امکانات دارند به میان می آورند و این امکانات را در معرض تبادل قرار می دهند و دنبال این هستند که در این سوداگری بیشترین سود را ببرند و کمترین ضرر را بکنند یعنی جامعه ای که همه در آن در حال معامله هستند و سوداگری در آن جریان دارد. در این جامعه به اصطلاح برابری که شکل می گیرد همه انسان ها کنشگران این میدان هستند و سوداگرانی هستند که معامله می کنند. در این جامعه بازار اخلاقی که شکل می گیرد اخلاق بازار است و با

اینکه این تمدن آیا در حال فروپاشی هست سوالی است که باید بر روی آن بحث و بررسی صورت گیرد. این تمدن سوابق تاریخی زیادی دارد. از عصر روشنگری که یک جهش جدی اتفاق افتاده است مسیر را برای ایجاد تمدن فراگیر در جامعه جهانی مبتنی بر ایدئولوژی مدرنیته فراهم کرده است که مبتنی بر ایدئولوژی مدرنیته است. یعنی بنیان اساسی این حرکت جهانی برای تحقق آن ایده ها است و برای تحقق آن آرمان ها است و برای عملیاتی شدن آن مبنای است البته ایده های آنها را همگی می دانیم و کاملاً آشکار گفته اند و جای پنهان کردن برای آن وجود ندارد.

حال اگر خواهیم آن را جمع بندی کنیم شاید بشود در این خلاصه کرد که یک تمدن مبتنی بر عقلانیت خود بنیاد بشر بدون اتکای به وحی و هدایت های الهی و با اعلام استقلال و بی نیازی از انبیا الهی و با انزوای ادیان الهی آن چیزی است که این ها می خواهند بسازند و با صدای بلند این را گفته اند و هر کس که بگوید غیر از این است پیداست که کمترین آشنایی با این تمدن و بنیان هایش ندارد. البته کاملاً این را بیان کردند و می خواهند یک تمدن متکی بر عقلانیت خود بنیان بشر بسازند، مبتنی بر تمیلات، تمایلات و اهوای بشر است این آن چیزی است که دنبال می کردند و شکل داده اند و زیرساخت های آن را ایجاد کرده اند از انقلاب علمی و انقلاب فلسفی و انقلاب صنعتی و تغییر ساختارها تا محصولات و سبک زندگی و بعد هم تلاش کردند که این را گسترش دهند. بعد از آن در یک دوره ای نظم جدیدی را برای کل جهان طراحی کردند و سازمان و ساختار آن را محقق کردند و در واقع یک قانون اساسی برای جهان نوشتند که مبتنی بر آن ایدئولوژی است و حرکت فرهنگی بزرگ را شروع کردند و به نقطه که این تحولات رسید و قانون اساسی واحد برای جهان نوشتند و احساس کردند که می شود این تحولات را به یک نظم تبدیل کرد.

## قرن بیستم، خواستگاه تحولات بزرگ

در اوایل قرن بیستم محور جامعه بین الملل مبتنی بر اصول لیبرالیسم، پیشسنهادهای را دادند اما بلافاصله جنگ اول و دوم جهانی شکل گرفت و آن را به سازمان ملل کنونی بر محور قدرت ها به علاوه حق وتو تبدیل کردند و جامعه ملل دیگر در ادامه، دولت ملت ها را به قوت شکل دادند و نظم دولت ملت ها که در هر منطقه می بینید یک دولت مرکزی است و وزارتخانه ها و ارتش



سید مهدی میرباقری

عضو مجلس خبرگان

اینکه ما در آستانه یک تحول بزرگ در مقیاس جهانی قرار داریم تقریباً بین نخبگان در درون کشور و بیرون از کشور و در داخل دنیای اسلام و بیرون از آن اتفاق نظر وجود دارد یعنی یک حوادث بزرگی در مقیاس جامعه جهانی و به تبع آن در مقیاس منطقه ای و ملی در پیش رو است و طبیعتاً ما با تحلیل این واقعه خودمان را باید برای این اتفاقات پیش رو آماده و آشنا کنیم و باید مهیا بشویم تا بتوانیم نقشی را ایفا کنیم. تحلیل ها از این واقعه مختلف است و طبیعتاً نقش آفرینی ها متفاوت است و قرائتی که رهبر انقلاب از این واقعه دارند این است که در اثر پیشرفت انقلاب اسلامی در جهان نظم پیشین در حال فرو ریختن است و ساختارها در حال فروپاشی می باشد بنابراین مأموریت ما این است که برای شکل دهی یک نظم جدید در جهان خودمان را مهیا کنیم در مقیاس ملی ما در حال رسیدن به نقطه پیروزی انقلاب اسلامی هستیم و فروریختن نظام پادشاهی و سلطنت در مقیاس ملی صورت گرفته است و انقلاب اسلامی در زیر پوست جامعه جهانی پیشروی کرده است و ساختارها در حال فرو ریختن است که این توضیح مفصلی را می طلبد. در حال حاضر در مرحله تدوین قانون اساسی جدید برای جهان هستیم و خودمان را باید آماده کنیم که در تدوین این قانون نقش ایفا نماییم و در شکل گیری این نظم جدید تاثیر جدی داشته باشیم. تا از این طریق فضا را برای نقش آفرینی بیشتر بعد از این فراهم کنیم و این تحلیلی است که رهبر انقلاب بارها به آن تاکید داشته اند و باید در مورد آن گفتگو داشته باشیم.

مأموریت ما این است که برای شکل دهی یک نظم جدید در جهان خودمان را مهیا کنیم. در حال حاضر در مرحله تدوین قانون اساسی جدید برای جهان هستیم.

## وضعیت فعلی دنیای غرب

ما در این مرحله با تمدن جدید غرب مواجه هستیم و بحث بر سر این است که این تمدن در مرحله ای است که می توان گفت در حال حل تعارضات است. به عبارتی دیگر در یک شکل پیچیده تری و در نظمی جدید می خواهد خودش را سامان داده و شکل دهد و



آرام آرام به سمتی رفت که در تبلیغات رسانه‌ای جهان ما را منزوی کند و دوباره جنگ سرد را احیا کند و اتفاقاتی را رقم زند و به دنیا اعلام کردند که انقلاب اسلامی در حال تمام شدن است.

### ماموریت انقلاب اسلامی

نظر رهبر معظم انقلاب این است که انقلاب اسلامی در یک مرحله ایجاد ظرفیت در جهان کرده و این ظرفیت دارد به یک انقلاب بزرگ تبدیل می‌شود که منتهی می‌شود به فروپاشی نظم نوین جهانی و نظم کنونی جهان و این مثل مرحله پیروزی انقلاب اسلامی است یعنی انقلاب اسلامی نه فقط نظام سلطنت معطوف به نظم جهانی را از سر راه برمی‌دارد بلکه کل نظم جهانی را از سر راه برمی‌دارد و ما در مرحله تدوین قانون اساسی برای جهان هستیم. لذا نکات مهم این است که خیلی مشغول مسائل کوچک نباشیم و غیر از حل و فصل کردن مسائل جاری باید به دنبال این باشیم که چگونه در تدوین قانون اساسی مشارکت کنیم قانون اساسی جهان را چگونه باید نوشت و الزامات آن چیست که با وضعیت کنونی جهان سازگار باشد و مسیر آینده‌ای که برای جهان در نظر می‌گیرد، مسیر گسترش انقلاب اسلامی و مسیر عصر ظهور باشد نه مسیر رویای آمریکایی چگونه می‌شود یک چنین قانون اساسی را نوشت و آن چیزی است که باید ما به آن مشغول باشیم و باید مبتنی بر اندیشه اسلام و نظریه اسلام این قانون نوشته شود ما چگونه می‌توانیم در شرایط کنونی یک قانون اساسی بنویسیم که این تشریفات را جمع کند و در عین حال اسلام و انقلاب اسلامی و جبهه مقاومت در آن حضور فعال داشته باشند و مسیر حرکت هم به سمت آرمان اسلامی باشد نه آرمان‌های دنیای غرب. چگونه می‌شود جامعه جهانی را با این ظرفیت جدید که ایجاد شده وارد مرحله جدیدی به سمت عصر ظهور کرد؟

ما در مرحله قانون اساسی هستیم همین که امام خمینی فرمودند حکومت اسلامی ولی در ادامه به اقتضانات زمان نگاه کردند و آن را به جمهوری اسلامی تبدیل کردند البته حکومت اسلامی هم حکومتی است که مردم در آن فعال هستند اما طرح گذار آن جمهوری اسلامی است. ما باید به دنبال جامعه‌ای باشیم که در بخش اول به سمت عصر ظهور و در بخش بعدی جبهه دنیای اسلام در آن نقش ایفا کند و در ادامه قدرت هماهنگی سازی جامعه جهانی را داشته باشد و می‌تواند جامعه جهانی را هماهنگ کند و دیگر نظریه اجتماعی آن نظریه جامعه بازار نیست و مبنای معادلات بین‌المللی در این نظم جدید که از جمله مهمترین آن قانون اساسی جدید جهان است و زمانی که شما قانون اساسی می‌نویسید باید بر اساس یک معاهده جهانی و بین‌المللی باشد و این معاهده بین‌المللی نباید مبتنی بر جامعه بازار باشد که اگر بر مبتنی بر جامعه بازار شد قطعاً نظام سرمایه‌گذاری حاکم خواهد شد و کار دست سرمایه‌داران خواهد افتاد. جمهوری اسلامی یک طرح گذار است. طرحی که به سمت جامعه عصر ظهور حرکت کرده و به دنبال نقش آفرینی در جغرافیای اسلام است. در این راستا نیز به هماهنگ‌سازی جامعه جهانی اندیشیده و در پی نوشتن قانون اساسی جدید جهانی خواهد بود.

ما باید برای ساختار جدید طرح داشته باشیم. علاوه بر این یک جاهایی باید ما کارآمدی خودمان را نشان دهیم هم در مقیاس توسعه و هم در مقیاس ساختارها و هم در مقیاس کارآمدی حرف داشته باشیم. دنیای غرب یک علت نفوذ و پیشرفت کارآمدی‌هایی است که در عرصه‌های مختلف از خودش نشان داده است ما باید بتوانیم یک کارآمدی‌هایی را در مقیاس جهانی از خودمان بروز بدهیم تا بشود این ساختار جدید در جامعه جهانی تثبیت شود. در گام دوم انقلاب اسلامی باید تلاش کنیم برای مشارکت در تولید زیر ساختارهای یک ساختار جدید از نظام ارزشی دستوری و حقوقی تا پیشینه‌های یک ساختار هماهنگ که مبنای یک معاهده بین‌المللی باشد. اگر آن نظام حقوقی دستوری و ارزشی متناسب نوشته نشود تبدیل به یک نظام مورد پذیرش ملت‌ها نمی‌شود باید مبتنی بر اسلام نوشته شود اما به گونه‌ای که این تکرر در آن ملاحظه شود ولی جهت وحدت آن باید به سمت عصر ظهور باشد به سمت غلبه معنویت و اخلاق الهی باشد به سمت یک جامعه که مبتنی بر ایمان و امامت است هست باشد.

می‌گذارد و به خصوص در تحولات جدید در دهه اخیر یک سر همه حوادث بزرگ جهانی است و آن هم یک انقلاب معنوی در جهان است که انقلاب اسلامی نام دارد. این انقلاب با ایده‌های مدرنیته سر چالش دارد، با عمیق‌ترین لایه این تمدن که ایده‌های آن عرفی سازی و زمینه‌سازی است یعنی سکولاریزاسیون با همه مفهوم پیچیده خودش، سر درگیری و دعوا دارد. امام در نامه‌ای که به گورپاچف نوشتند، در آنجا پایان مارکسیسم را اعلام کردند می‌فرمایند علت شکست شما مبارزه بی‌دلیل با خدا است و نظام سرمایه‌داری غرب هم به همین سرنوشت مبتلا خواهد شد به همین دلیل یک تحلیل دیگری وجود دارد که یک انقلاب مبتنی بر ایده نبی در جهان شکل گرفته و از نو آن آرمان‌ها زنده شده است. علاوه بر این از مرزهای خودش هم عبور کرده و تحولات فرهنگی در جهان ایجاد کرده و ظرفیت‌های جدیدی خلق شده و انتظارات جدیدی در مردم شکل گرفته و ملت‌ها به یک انتظارات جدیدی رسیده‌اند. انقلاب‌ها همیشه اینگونه شکل می‌گیرد. یعنی اگر یک جوششی هدایت بشود از عمق یک جامعه‌ای و یک انتظاراتی فعال بشود در جامعه که آن انتظارات و توقعات متناسب با ساختارهای موجود نیست اگر این انتظارات به مرحله خودآگاهی رسید در آستانه فروپاشی ساختارها است. ممکن است زمان ببرد تا اینکه انتظارات یک ملت رشد کند و با ساختارها توافق نداشته باشند.

شما از مشروطه نگاه کنید که برای یک قرن پیش است تا بعد از تحولات دیگری که در کشور بود و آخرین آن انقلاب اسلامی است. به معنای دیگر سال‌ها تلاش کرده‌ایم تا به نقطه پیروزی در سال ۵۷ رسیده‌ایم. به بیان دیگر یک اتفاقاتی باید بیفتد و انتظارات با وضعیت موجود متفاوت بشود و کم کم این انتظارات خودآگاه بشود و تبدیل بشود به یک جوشش بزرگ اجتماعی و آن ساختارها به هم بریزد.

تحلیل دیگر این است که اتفاقی در جهان در حال رخ دادن است در یک قدمی آفرینش یک ظرفیت جدید در جهان است. انقلاب اسلامی یک حرکت معنوی و یک جوشش معنوی از اعماق فطرت است که نقطه قله آن یک جوشش معنوی از عمق جامعه رخ داده است و این جوشش معنوی از مرزهای خودش عبور کرده و مفهوم عدالت خواهی را تغییر داده است. در این راه مارکسیست مفهوم آزادی را تغییر داد و مبتنی بر معنویت انسان‌ها به دنبال آزادی است. به تعبیری یک مفاهیم جدید و یک مطالبات جدید و خواسته‌های جدیدی را در جامعه جهانی ایجاد کرده، ایجاد ظرفیت شدن این ظرفیت‌ها جامعه جهانی را به یک نقطه‌ای رسانده است که در حال حاضر در آن قرار دارد. اینگونه بوده که فروپاشی شوروی رخ داده است. هر چند که غرب‌گراها همانگونه که نمی‌خواهند نقش انقلاب اسلامی در فروپاشی شوروی را ببینند در این موضوع هم نمی‌خواهند نقش انقلاب اسلامی را لحاظ کنند.

در این حوادث که در طول ۴۰ سال انقلاب اتفاق افتاده در هیچکدام فیلسوفان علوم انسانی و اجتماعی به این اندازه اظهار نظر نکرده بودند چه در مقیاس داخلی و چه در مقیاس جهانی و همه نظریه‌پردازان پای کار آمده‌اند و تحلیل ارائه می‌دهند که انقلاب اسلامی رو به اتمام است و این فتنه اخیر را تمام شدگی انقلاب اسلامی می‌دانند. تحلیل‌های مختلف علوم انسانی از داخل بگریزد تا در خارج، نشان می‌دهد یک اتفاق بزرگ رخ داده و آن این است که انقلاب دارد تمام می‌شود که بحمدالله موفق نشدند. علت این امر این است که در این ۴۰ سال اخیر هر حادثه مهمی در جهان اتفاق افتاده است یک طرف آن انقلاب اسلامی حضور دارد. انقلاب اسلامی در تقابل مستقیم با نظم جهانی دوران خود قرار داشته، آن نظم را به چالش کشید و در مقطع کنونی نیز نظم فعلی را به چالش کشیده است.

در این موضوع نباید شک کرد که فروپاشی شوروی تا جنگ‌های بزرگ منطقه‌ای و راه اندازی داعش و اتفاقات مهمی که توسط غرب در منطقه رقم خورد پیامدهایی را به همراه داشت و در تمام این‌ها در یک سوی آن انقلاب اسلامی قرار دارد و دشمن در تحلیل‌ها می‌گوید و حتی در اسناد مهم که غرب و آمریکایی‌ها برای خودشان می‌نویسند ذکر می‌کنند جمهوری اسلامی در مقابل ما قرار دارد. در زمان مذاکرات به دلیل ضعفی که دولت غرب‌گرا از خود نشان داد دشمن

کار می‌کند که در این راستا فناوری‌های آن را ایجاد کرده‌اند و علم آن را ایجاد کرده‌اند و می‌خواهند جهان را به سمت دیگری ببرند که دیگر این نظم نیست. یک زمانی رهبر انقلاب به رئیس جمهور وقت گفتند اگر این فضا پیش برود شما در ۵ سال آینده نمی‌توانید بر تهران هم حکومت کنید یک تاکسی اینترنتی درست می‌کنند و کل تاکسیرانی را از دست شما در می‌آورند حالا اگر این گسترش پیدا کند و بشود یک شبکه بزرگ و این شبکه‌های بزرگ به شبکه‌های جهانی متصل شود دیگر مدیریت کشورها از این حالت بیرون می‌آید و دولت‌ها هیچ نقشی ایفا نمی‌کند لذا پیش بینی می‌کنند تا ۱۰ سال آینده دیگر دولت‌ها ملت‌ها باید فروپاشی شوند و جنگ‌های بزرگی داریم برای همین است که دولت‌ها مقاومت می‌کنند. لذا از همین حالا به دنبال این هستند که نقش آفرینان را حذف کنند و خودشان آینده جهان را ترسیم و تنظیم کند و به اصطلاح در ادامه مدرنیزاسیون جهانی می‌خواهند به سراغ پامردن رفته و چالش‌ها و تناقضات جامعه جهانی را حل کنند. تا اینکه یک جامعه یک دست کاملاً تحت سلطه خودشان ایجاد کنند، این کاری است که آنها می‌خواهند انجام بدهند و مرحله جدیدی از استعمار است که اینک با ادبیات توسعه، مستعمرات اقتصادی خودشان را از نوعی استعمار پیچیده‌تر کرده‌اند. با این ادبیات اقتصاد ملل را تحت سلطه اقتصاد خودشان درآوردند و این‌بار هم در یک شکل پیچیده‌تری یک نظم جهانی می‌خواهند ایجاد کنند و در همان مسیر منتها در یک شکل پیچیده‌تر حرکت نمایند. آن‌ها به دنبال حذف نقش آفرینی دولت‌ها و قرار دادن همه در یک شبکه بزرگ هستند. تا اینکه یک جامعه یک دست کاملاً تحت سلطه خودشان ایجاد کنند.

### قانون اساسی جدید

این کاری است که آن‌ها می‌خواهند بکنند این ساختار جهان به هم می‌ریزد و این قانون اساسی تغییر پیدا می‌کند و قطعاً قانون اساسی دیگری نوشته خواهد شد. منتها مسئله این است که چرا این اتفاق افتاده است و مسیر این اتفاق کجاست غربی‌ها و پیروانشان که غرب‌گراها هستند و متأسفانه اندیشه آن‌ها برای ملت‌ها خیلی مضر است تلاش می‌کنند که این را ادامه مدرنیزاسیون معرفی کنند بگویند مدرنیته است که دارد مسیر خودش را اصلاح می‌کند و تعارضات داخلی خودش را حل می‌کند و خود این حاکم بر جهان است. حتی بعضی‌های آن‌ها که خیلی رفته‌رفته غرب هستند کل انقلاب اسلامی و پیامدهای آن را آثار همین مدرنیزاسیون می‌دانند و می‌گویند می‌خواهند که دنیا را مدرن کنند منتها عجله کردند و یک سزارین اتفاق افتاده و انقلاب اسلامی شکل گرفت و اگر صبر می‌کردند و با آرامش پیش میرفتند انقلاب اسلامی شکل نمی‌گرفت، این موضوع تحلیل آن‌ها است.

پس ببینید این یک نگاه است با این مسیری که پیش روی جهان است که نظم جهانی در حال به هم ریختن است مبتنی بر همان جامعه بازار است منتها در یک شکل جدید و بنا نیست یک جامعه معنوی و با اخلاق الهی شکل بگیرد و مبنای معادلات بین‌المللی از مبنای بازار و سوداگرانه تغییر کند و بشر در یک شکل و یک فضای دیگری زیست کند. در این راستا به ظرفیتی که این تمدن در هضم کردن رقبای خودش در درونش داشته است و واقعا اندیشه‌های مارکسیستی را در خودش حل کرده است تکیه کرده‌اند. این نگاه خود غرب و غرب‌گرایان است اما خود فیلسوفان غرب به این شکل فکر نمی‌کنند اندیشمندان غرب به خوبی می‌فهمند که این مسیر تحول یک مسیر تحول دیگری است و تلاش می‌کنند که تحولات جهانی را مهار کنند. آنها به گونه دیگری تحلیل می‌کنند و تحولات را مبتنی بر یک اتفاق بزرگی می‌دانند که هنوز برای آنها نشان‌دهنده است، دارد پیش می‌رود و هر چقدر تلاش می‌کنند علوم انسانی خودشان و علوم شناختی خودشان را رشد بدهند که بشناسند و کنترل کنند تا به حال موفق نبودند و آن هم تحولی است که با انقلاب اسلامی شروع شده است این هم یک تحلیل است.

### نسبت انقلاب اسلامی با نظم جهانی

ما در تحولات جدید جهانی یک عامل دیگری را دخیل می‌دانیم که در مقیاس جهانی حضور دارد، تاثیر

صراحت گفته‌اند که جامعه بازار را نمی‌شود مبتنی بر محبت، فداکاری، ایثار و انفاق بنا کرد. به تعبیر دیگر می‌گویند گاهی فقط گدایان هستند که نگاهشان به دست دیگران است و به احسان دیگران چشم می‌دوزند اما مابقی کالایی را آورده‌اند و می‌خواهند در بازار معامله کنند. یک فرد در جامعه بین‌المللی سوداگری است که تجارت می‌کند و می‌خواهد در جامعه بازار سهم خودش را افزایش دهد. یک کشور و یک ملت هم می‌خواهد همین نقش را در جامعه بازار ایفا کند و می‌خواهد بیشترین منفعت را از جامعه جهانی ببرد و اخلاقی که مبتنی بر این جامعه شکل می‌گیرد دیگر اخلاق ایثار و فداکاری و انفاق و محبت نیست و اخلاق سوداگران است که شکل می‌گیرد. در مقابل هر وزارتخانه که ما داریم یک نهاد بین‌المللی قرار دادند و پیمان‌های بین‌المللی هم شکل دادند. همانطور که مشاهده می‌کنید این یک نظم است که تا هم اکنون تقریباً هنوز نظم حاکم بر جهان است و یک قانون اساسی است که جهان با آن اداره می‌شود. حال جامعه‌ای که بوسیله آن شکل می‌گیرد در مجامع بین الملل و با این قانون اساسی اداره می‌شود در واقع جامعه بازار است.

### جامعه فعلی جهانی چگونه شکل گرفت؟

حال اخلاقی که در این تمدن رشد می‌کند اخلاق مادی و سوداگرانه است. به عنوان مثال یک تعبیر تندى بعضی از فیلسوفان اجتماعی غرب دارند و می‌گویند گری صفتی و همه می‌خواهند سهم خودشان را بیشتر ببرند و آنها این را تبدیل کردند به یک نظام بین‌المللی و در چنین جامعه بازاری طبیعتاً انسان‌هایی که توان بیشتر در میدان رقابت دارند کار را به دست می‌گیرند و طبیعی است که نظام سرمایه‌داری شکل می‌گیرد و یک عده صاحبان سرمایه با قدرت متمرکز همه امکانات را در اختیار خودشان می‌گیرند. خوب نگاه کنید می‌بینید که هرچقدر جامعه ما به سمت جامعه سرمایه‌داری و سوداگرانه سیر می‌کند همین طور است و خیلی از مشاغلی که خویش فرما بودند یا باید بروند در کارخانه‌های بزرگ سرمایه‌گذاری کنند و یا اینکه زیر دست و کارگر دیگری باشند.

در نظام سوداگری کار به جایی رسید که سرمایه‌های متمرکز و شرکت‌های بزرگ بین‌المللی شکل گرفت و زمام امر به دست سرمایه‌داران از شرکت‌های بزرگ افتاد. همانطور که رهبر انقلاب هم می‌فرمایند این نظام استکبار فقط این دولت‌ها نیستند و آن کمپانی‌ها و سرمایه‌داران بزرگ که جهان را اداره می‌کنند آن‌ها هستند و در واقع این سرمایه‌داران بزرگ هستند که جهان را اداره می‌کند و نظام سیاسی ذیل آن‌ها تعریف می‌شود و مدیران سیاسی تابع آنها عمل می‌کنند که گاهی از آن‌ها به ابر طبقه تعبیر می‌شود. یک چنین نظامی شکل گرفت نظام مبتنی بر نظریه جامعه بازار با اخلاق سوداگرانه است و همین را تبدیل کردند به یک نظام جهانی و قانون اساسی بزرگ و با این ساختار بزرگ جهانی جهان را اداره می‌کنند. پشتوانه توانایی آن‌ها برای اینکه این کار را انجام دهند دو جنگ بزرگ جهانی بود، در واقع کل جامعه جهانی را نامن کردند پس از آن به دنبال ایجاد یک امنیت مبتنی بر ایده خودشان بوده‌اند.

این نظریه یک نظم مستقر است و هنوز هم در جهان وجود دارد در همین مسیر هم دنبال تحول، نوسازی و رفع نواقص خودشان بوده‌اند. پشتوانه توانایی آن‌ها برای ایجاد نظم جهانی، دو جنگ بزرگ جهانی بود. در واقع کل جامعه جهانی را نامن کردند پس از آن به دنبال ایجاد یک امنیت مبتنی بر ایده خودشان بوده‌اند.

### هوش مصنوعی و فضای مجازی

آنها به تعبیری مردم را یک بار به زندان مدرنیته بردند و حالا می‌خواهند به سیاه چال حکمرانی فضای مجازی ببرند به خصوص با هوش مصنوعی و امثال این‌ها دنبال این هستند که این کار را محقق کنند. به بیان دیگر اینکه فضای مجازی را به فضای زندگی حقیقی تبدیل کنند و در آینده پژوهی، تخیلی و هنری که دارند فیلم‌هایی که می‌سازند گویای همین است آنها به حسب ظاهر می‌خواهند در ادامه مدرنیته تعارضات داخلی مورد امنیت را حل کنند که یکی از تعارضات همین انقلاب اسلامی و پیامد آن در جهان از منظر همین نگاه است. همچنین می‌خواهند یک نظم جهانی ایجاد کنند و در این نظم جهانی با آینده‌پژوهی



شاخص سوم توانمندی سیاسی است. کشورها باید قدرت سیاسی داشته باشند. آن توانمندی فکری (شاخص نخست) در اینجا خیلی کمک می‌کند. زمانی که شما از لحاظ فکری توانمند باشید عده‌ای در دنیا به حرف‌هایی که در سطح بین‌المللی می‌زنید علاقمند می‌شوند؛ مثلاً این بحث مقابله با استکبار و مقاومت که ایران جلو می‌برد برای عده‌ای در جهان موضوع جذابی است. هیچ کشوری نمی‌خواهد تحت سلطه باشد. ایران می‌تواند در راس محور مقاومت در برابر استکبار قرار گیرد. الان می‌بینید که برخی کشورها در دنیا به همین دلیل به ایران علاقمند شده‌اند. موضوع مهم بعدی قدرت اقتصادی است و اینجا کشور ما چالش‌هایی دارد. این موضوعی است که باید مورد توجه قرار گیرد. به همین دلیل رهبرانقلاب هم طی سالیان گذشته بر موضوع اقتصاد تمرکز زیادی داشته‌اند. همانطور که ما در برخی حوزه‌ها توانمند هستیم در این حوزه ضعف داریم. مشکلات اقتصادی باید حل بشود. یکی از ضعف‌های کشور در اقتصاد این بود که برخی دولت‌هایی که سر کار آمدند دو مشکل داشتند: یکی رجوع کردن به فرمول‌هایی که از بیرون تجویز می‌شد. این اشتباه بزرگی بود. به جای اینکه سیاست اقتصادی کشور در درون تدوین شود و از تجربیات بیرون استفاده شود این نگاه تقلیدی باعث ضربه به کشور شد. مشکل دوم نیز وابسته کردن اقتصاد کشور به برجام بود. در دوره دولت آقای روحانی کشور معطل برجام شد، معطل برجام اروپایی شد، بعد معطل بایدن شد و خلاصه فرصت از دست رفت. این هم مشکل دیگری بود. در عمل اتفاق خاصی هم برای تحریم‌ها نیفتاد و آنها به تعهداتشان عمل نکردند و نهایتاً ترامپ از برجام خارج شد. مشکل اقتصاد ایران نخست نگاه به بیرون و پیاده سازی نسخه‌های تجویزی و دوم معطل کردن کشور به برجام بود. به هر حال ایران توانمندی‌های قابل توجهی دارد. چالش‌هایی هم دارد. این مختص ایران نیست؛ کشورهای دیگری که به نظر می‌رسد بتوانند قطب‌های جهان آینده باشند چالش‌های خودشان را دارند. کشوری که چالش نداشته باشد وجود ندارد. ایران هم باید از تجربیات گذشته درس بگیرد.



گفت‌وگو با فواد ایزادی پیرامون نظم جدید جهانی؛

# ایستاده در برابر استکبار

آن اتفاق نظر وجود دارد یعنی یک حادثه بزرگی در مقیاس جامعه جهانی و به تبع آن در مقیاس منطقه‌ای و ملی در پیش رو است و طبیعتاً ما با تحلیل این واقعه خودمان را باید برای این اتفاقات پیش رو آماده و آشنا کنیم. به همین مناسبت با توجه به موضوع مطرح شده در گفت‌وگو با فواد ایزدی، استاد دانشگاه به مسائل پیرامون نظم جدید جهانی پرداختیم که در ادامه مشروح این گفت‌وگو را می‌خوانید:

جاری و پذیرفته شده از سوی سیاستمداران و استراتژیست‌های مطرح جهان است و ارتباطی به دیدگاه‌های خاص نظیر توهم توطئه و ... ندارد؛ ناپیا شامل موقعیت‌سنجی و آینده‌شناسی کاملاً دقیق از جهان مطلوبی است که چندین کشور و مجامع مختلف بین‌المللی، تحقق آنها را پیگیری می‌نمایند. در اینکه ما در آستانه یک تحول بزرگ در مقیاس جهانی قرار داریم تقریباً بین نخبگان در درون کشور و بیرون از کشور و در داخل دنیای اسلام و بیرون از

علی پیرایند

خبرنگار

نظم نوین جهانی اصطلاحی است که در مدت یک قرن گذشته، در ادبیات سیاسی جهان مطرح شده و بارها و بارها مورد بررسی، بازبینی و به‌روز رسانی قرار گرفته است. بررسی این ادبیات، چنین مشخص می‌کند که این مفهوم اولاً یک مفهوم کاملاً واقعی،

موضوع انتقال قدرت و ثروت از غرب به شرق را مطرح فرمودید؛ در نظم آینده ما با دولت‌های رقم‌زننده این نظم مواجه خواهیم بود؟ یا اینکه جریانات فرادولتی است و قدرت‌هایی فراتر از دولت‌ها این نظم را رقم خواهند زد؟

ببینید؛ قطعاً نهادهای غیر دولتی اثرگذار هستند؛ اما نباید نقش دولت‌ها را دست کم گرفت. شما دیدید در همین ماجرای جنگ اوکراین شرکت‌های بزرگ اروپایی متوجه شدند که درگیر شدن با روسیه به نفعشان نیست. روسیه بازار خوبی برای شرکت‌های غربی است و درگیری با روسیه به کشورهای غربی و به همین شرکت‌ها ضربه زد. ولی دولت‌های اروپایی حالا با فشار آمریکا یا صلاحدید خودشان سیاست‌هایی اتخاذ کردند. درست است که شرکت‌ها اثرگذارند اما در نهایت تصمیم دولت‌ها حرف آخر را می‌زند. همچنین در متن‌هایی که منتشر می‌شود عنصر فناوری به طور مثال هوش مصنوعی را عامل بسیار اثرگذاری می‌دانند. ولی به هر حال سیاست بین‌المللی توسط دولت‌ها تعیین می‌شود. البته دولت‌ها می‌توانند تحت تاثیر نهادهای بیرونی باشند ولی خودشان تصمیم آخر را می‌گیرند.

بنظر تان نقش سازمان ملل و زیر مجموعه‌های آن مانند سازمان بهداشت جهانی، یونسکو، یونیدو و سایر موارد در نظم نوین آینده جهان به چه ترتیب خواهد بود؟

نهادهای بین‌المللی - چه سازمان ملل و چه سایر نهادها- تاریخ تاسیسشان به بعد جنگ جهانی دوم بر می‌گردد که دولت‌های غربی احساس می‌کردند برای کنترل و مدیریت دنیا باید نهادهایی ایجاد کنند که تحت نفوذ آنها باشند و با این نهادها به اهدافشان

آقای دکتر؛ اشاره فرمودید که ایران هم می‌تواند یکی از آن قطب‌ها در نظام چند قطبی آینده باشد؛ می‌خواستم بپرسم ایران چطور و چگونه می‌تواند یک قطب شود؟ چه راهبردهایی باید اتخاذ شود و چه اقداماتی باید صورت گیرد؟

ببینید ایران یک سری شاخص‌هایی دارد که می‌تواند یکی از قطب‌ها در جهان چند قطبی آینده شود. یکی از شاخص‌ها این است که آن کشوری که می‌خواهد قطب باشد نباید از نظر فکری وابسته به قطب دیگری باشد. شما اگر از نظر فکری و ایدئولوژیک و اعتقادی به قطب دیگری وابسته باشید ذیل آن قرار خواهید گرفت. ویژگی ایران این است که در حوزه فکری حرف نو برای دنیا دارد و این حرف نو و متفاوت به ایران جایگاه خاصی می‌دهد. این یک شاخص مهم است.

شاخص دیگری که در معادلات بین‌المللی مهم است موضوع توانمندی نظامی کشورهاست. چه در جهان معاصر چه در گذشته کشورهایی که تبدیل به قطبی در جهان شده‌اند از نظر نظامی توانمند بوده‌اند و این توانمندی‌ها تولید خودشان بوده است. اگر کشوری در حوزه نظامی وابسته به بیرون باشد نمی‌تواند جایگاه مهمی در دنیا داشته باشد. شما متون مختلف در سراسر دنیا را نگاه کنید می‌بینید که هیچ کدام کشور سعودی را به عنوان یک کشور جدی نمی‌شناسند. یکی از دلایلش این است که سعودی‌ها با وجود پول زیاد، در حوزه نظامی کاملاً وابسته هستند و اگر پول از آنها گرفته شود هیچ ندارند. اما ایران در عمل توانسته این توانمندی نظامی را به صورت یک فناوری بومی ایجاد کند که معلوم هم هست خیلی به درد کشور می‌خورد.

حرکت به سمت یک نظم جدید هستیم و حتی دارد اجماع می‌شود که این نظم جدید چند قطبی خواهد بود؛ یعنی آمریکا دیگر توان اینکه تک قطب دنیا باشد را ندارد. دو قطبی هم بعید است باشد؛ زیرا چین و روسیه و چند کشور قدرتمند دیگر وجود دارند که جایگاهی برای خودشان در نظم جدید قائل هستند و حاضر نیستند ذیل کشور دیگری حرکت کنند. بنابراین یک قطب غربی خواهیم داشت که شامل آمریکا و کشورهای اروپایی همراه او خواهد بود، و بین کشورهای غیر غربی نیز قطب‌هایی شکل خواهد گرفت. ایران هم توانمندی این را دارد که یکی از این قطب‌های غیر غربی باشد. البته طی یک بازه زمانی طولانی نه یک سال و دو سال. به هر حال دنیای چند قطبی دنیای متفاوتی خواهد بود.

مسئله بعدی این است که چه ایران یکی از قطب‌ها باشد یا نباشد به نظر می‌رسد که آینده ایران آینده بهتری خواهد بود. زمانی که ما دنیای دو قطبی را تجربه می‌کردیم هم آمریکا در مقابل انقلاب اسلامی بود و هم شوروی. یعنی کار جمهوری اسلامی به هیچ عنوان راحت نبود، و بعد از فروپاشی شوروی سخت‌تر نیز شد؛ یعنی آن رقابت بین دو قطب تمام شد و آمریکا احساس کرد که در دنیای تک قطبی بیشتر می‌تواند به ایران زور بگوید و همین کار را هم کرد. الان که به سمت یک جهان چند قطبی حرکت می‌کنیم فرصت‌های جدیدی برای ایران ایجاد می‌شود. قدرت آمریکا افول پیدا می‌کند و کلاً یک اجماعی هم وجود دارد که قدرت و ثروت از غرب به شرق در حال حرکت است. رابطه ایران با کشورهای غیر غربی در طول این سال‌ها رابطه خوب و متعادلی بوده است. به این دلایل دنیای آینده دنیای بهتری برای مردم ایران خواهد بود.

با توجه به این که در یک سال اخیر موضوع نظم نوین جهانی و تمدن نوین اسلامی مجدداً بر سر زبان‌ها افتاده و خود حضرت آقا چند مرتبه به این موضوع اشاره کرده‌اند، از نظر شما این مفهوم نظم نوین جهانی به چه معناست و چه توافقی در این زمینه قرار است صورت بگیرد؟

بحث نظم نوین جهانی چندین سال است که در همه جای دنیا مطرح است؛ اینکه شما فرمودید در یک سال گذشته، بله در یک سال گذشته بیشتر مورد توجه بوده، اما موضوعی است که نهادهای پژوهشی دنیا چندین سال است روی آن کار می‌کنند و سیاستمداران درباره آن صحبت می‌کنند.

همین چند هفته پیش رییس جمهور آمریکا گفت که در ۵، ۶ سال آینده اتفاقاتی در دنیا می‌افتد و نظم جهان را تعیین خواهد کرد. نهادهای اطلاعاتی آمریکا سال‌هاست درباره این موضوع کار می‌کنند. در کشور ما یک مشکلی که داریم این است که وقتی رهبرانقلاب درباره یک موضوعی صحبت می‌کنند، عده‌ای که غالباً از دنیا بی‌خبرند فکر می‌کنند این حرف‌ها فقط در ایران زده می‌شود و توجه ندارند که این یک موضوع بین‌المللی و تخصصی است.

ما در ۷۰، ۸۰ سال گذشته نظم دوقطبی را تجربه کردیم. یک قطب شوروی را داشتیم و کشورهای دیگر که با آن هم‌پیمان بودند و در مقابل قطب آمریکا را داشتیم و کشورهای هم‌پیمان. بعد از فروپاشی شوروی آن نظم به هم ریخت و یکی از آن دو قطب سرنگون شد. عده‌ای معتقدند که بعد از این فروپاشی نظم تک‌قطبی در جهان داریم، اما عده‌ای معتقدند که نظم تک‌قطبی و آمریکایی هیچ وقت در عمل شکل نگرفت. به هر حال اختلاف نظر هست. در حال حاضر این اجماع وجود دارد که ما در حال



**این دوره گذار به نظر شما چند سال طول خواهد کشید و حدود چه سالی ما می توانیم انتظار داشته باشیم نظم جدید پیاده شود؟**

در این زمینه نظرها متفاوت است. مثلا در متنی که شورای اطلاعات ملی آمریکا منتشر کرده بود گفته بودند تا سال ۲۰۳۰ دیگر در دنیا هیچ هژمونی نخواهیم داشت. یعنی این نهاد اطلاعاتی آمریکایی پایان هژمونی آمریکا را طی ۷ سال دانسته بود. کارشناسانی هستند که علیرغم ادعان به چالش های جدی هژمونی آمریکا این زمان را طولانی تر از ۷ سال می دانند. می دانید که بعضی از اتفاقاتی که در دنیا می افتد روی این موضوع تاثیر گذار است. مثل جنگ اوکراین که به آن اشاره شد. یا دعوی آمریکا و چین. شاخص های مختلفی وجود دارد و اعلام کردن یک زمان دقیق و مشخص کار هوشمندانه ای نیست. در همین حد باید بدانیم که در دوره گذار هستیم. کشور در این زمینه دچار چالش است. عده ای در کشور این بحث ها را متوجه نیستند. هنوز برخی آمریکا را کدخدا می دانند و فکر می کنند هیچ چاره ای ندارند جز اینکه ذیل غرب تعریف شوند. باید بدانیم که در دوره گذار هستیم. این دوره که گذار از نظم گذشته به آینده است زمان زیادی طول نخواهد کشید.

**برخی متخصصین به ارتباط سند ۲۰۲۰ و نظم نوین جهانی اشاره کرده اند؛ به نظر شما ارتباط نظم نوین جهانی با سند ۲۰۲۰ چیست؟**

آمریکایی ها چون متوجه شده اند که کشور رو به افولی هستند سعی می کنند این افول را کند کنند. در دوره استعمار کشوری می آمد کشور دیگر را اشغال می کرد و حاکم می گماشت. در دوره استعمار نو آن حکمران دیگر اروپایی نبود و ظاهرا کشور استقلال داشت، اما حکمرانان دست نشانده بودند. مثل حکومت شاه در ایران. در دوره استعمار فرانو فرق نمی کند چه کسی حکمران باشد، مهم این است که یک سری قواعد بین المللی تهیه شود و همه به اجبار آن را اجرا کنند. سیاست کشورها باید بر اساس دیکته بیرونی تدوین شود. سند ۲۰۳۰ نیز هدفش این بود که این کشورها را در راستای منافع غرب هماهنگ کند. اما هم در ایران و هم جاهای دیگر مخالفت شد و این سند به جایی نرسید و نخواهد رسید.

**به عنوان آخرین سوال به تمدن نوین اسلامی بپردازیم؛ تمدن نوین اسلامی به دنبال چیست و چه نسبتی با نظم نوین جهانی می تواند داشته باشد؟**

مشکلی که جهان اسلام در حوزه تمدنی پیدا کرد این بود که از آموزه های اسلامی دور شد و این دور شدن منجر به تضعیف کشورهای اسلامی شد. این ضعف نیز زمینه ساز استعمار شد. برخی از کشورهای اسلامی رسما و برخی عملا مستعمره شدند. این دوره به تدریج دارد تمام می شود. در ایران با انقلاب اسلامی این روند کاهش قدرت متوقف شد. برخی از کشورهای اسلامی نیز دارند وضعیت بهتری را رقم می زنند. برخی دیگر نیز هنوز عقب ماندگی زیادی دارند. اما نکته مهم این است که ایده تمدن نوین اسلامی رهبری به نام ایران دارد. ایران نشان داد که تحت فشار می توان مقاومت و پیشرفت کرد. همینطور که ما به سمت نظم نوین جهانی حرکت می کنیم الگوی ایران نیز برای سایر کشورها برجسته تر خواهد شد. ایران این قدرت را دارد و با انقلاب اسلامی نسبت به دیگران زودتر نیز شروع کرده است. عرض کردم که ایران می تواند یکی از قطب ها باشد و در کشورهای اسلامی سرآمد باشد. برای همین هجمه گسترده علیه ایران آغاز شده چون فکر می کنند الان باید جلوی آن را بگیرند و اگر نگیرند از دست می رود و قابل کنترل نخواهد بود.

روسیه نیز مقاومت می کنند. حالت عادی روابط چین و آمریکا نیز دچار چالش است و طبیعی نخواهد شد؛ نه به این دلیل که چینی ها می خواهند درگیر شوند بلکه آمریکایی ها قصد درگیری دارند چون احساس می کنند جایگاهشان دارد از دست می رود. مطرح شد که بحث اوکراین نیز در این حرکت به سمت نظم نوین جهانی بحث مهمی است و آن را تسریع می کند. یک زمانی فقط ایران بود که در مقابل استکبار مقاومت می کرد اما اکنون چین و روسیه نیز مقاومت می کنند و به همین دلیل هم عرض کردم جهان آینده بهتری به چشم خواهد دید.

**در فرمایشات خود به موضوع فناوری و به خصوص هوش مصنوعی اشاره فرمودید؛ سوال این است که به نظر شما پیاده سازی این نظم نوین جهانی با چه ابزار تکنولوژیکی اتفاق خواهد افتاد؟**

در حوزه فناوری به طور کلی دنیا در حال پیشرفت است. ما هم مثل بقیه پیشرفت می کنیم البته عقب ماندگی هایی هم داریم که باید جبران کنیم. چون در دوره گذار تقابل در دنیا بیشتر می شود این فناوری ها ابزاری می شوند برای ضربه زدن به طرف مقابل. مثلا آمریکا ماه پیش تصویب کرد که تراشه به چین ندهد و او را تحریم کند. در حوزه هوش مصنوعی هم آمریکا و هم سایر کشورها دارند از جنگ ترکیبی استفاده می کنند و ابزارهای هوش مصنوعی در این زمینه کمک می کنند. از این جهت چون ما در دوره گذار به نظم جدید چالش های جدی بین کشورها را خواهیم دید این بحث فناوری اهمیت پیدا می کند. کشورهایی که از نظر فناوری توانمند نیستند یا وابسته هستند قطعاً چالش خواهند داشت. در عوض کشورهایی که پیشرفته هستند و در فناوری، توانایی بومی دارند وضع بهتری خواهند داشت.

هزینه دارند و این هزینه هم به دوش مردم می افتد، و الا سرمایه داران کلان ممکن است از جنگ حتی سود ببرند. آمریکایی ها ممکن است سودهای کوتاه مدتی برده باشند اما در دراز مدت آنها نیز بازنده جنگ اوکراین خواهند بود؛ چون اروپایی ها متوجه می شوند چه کلاهی بر سرشان رفته است. دود برخورد تندی که آمریکا و روسیه انجام دادند دودش به چشم اروپایی ها خواهد رفت و این برای روابط اروپا و آمریکا خوب نیست. همین الان انتقادهای تندی در اروپا نسبت به رفتار دولت آمریکا در جریان است. روسیه هم ضعیف تر شد اما چاره ای نداشت؛ چون فکر می کرد باید در مقابل هجمه غرب مقاومت کند و انتخاب دیگری نداشت. در کل جنگ اوکراین حرکت به سمت نظم نوین جهانی را تسریع می کند؛ زیرا وضعیت دنیا شفاف شد. رودریاستی ای که طی چند دهه وجود داشت از بین رفت و روس ها خصلت ضد روس دولت های غربی را کامل متوجه شدند. حتی اگر پوتین رئیس جمهور روسیه نباشد این تجربه برای نخبگان سیاست خارجی روسیه درس بزرگی بود که آمریکا و غرب برای اهدافشان حاضرند دست به فعالیت های گسترده ضد روس بزنند. هر کس در روسیه به قدرت برسد این را در ذهن خواهد داشت. چینی ها هم خشونت طلبی غربی ها را متوجه شدند. غربی ها کاری می کنند که خودشان بیشتر ضربه می خورند. مانند آن تعبیری که رهبرانقلاب داشتند: آمریکای بحران ساز و بحران زیست. یعنی بحران درست می کنند و هم خودشان دچار چالش می شوند و هم دیگران را دچار چالش می کنند. الان می بینید در آمریکا رقابتی بین جمهوری خواه ها و دموکرات ها وجود دارد که کدامشان ضد چینی تر هست. جنگ اوکراین حرکت به سمت نظم نوین جهانی را تسریع می کند؛ زیرا وضعیت دنیا شفاف شد. یک زمانی فقط ایران بود که در مقابل استکبار مقاومت می کرد اما اکنون چین و

برسند. در عمل نیز این اتفاق افتاد؛ در ابتدای تاسیس سازمان ملل شوروی به دلیل منافعی بعضی وقت ها خیلی همراه نبود، ولی بعضی وقت ها هم همراه بود. روسیه فعلی نیز همین طور است. به هر حال نهادهای بین المللی هنوز ابزاری است برای غربی ها که به اهدافشان برسند. به همین دلیل هیچ وقت جایگاه بی طرفی که برای این نهادها تصور می شد و قرار بود مشکلات جهانی را حل کنند نه در گذشته و نه الان محقق نشد. رقابت قدرت های بزرگ نیز محدودیت این نهادها را افزایش داده است. در دنیای آینده خیلی نباید این نهادها را جدی گرفت. الان بعضی از نهادهایی که زمانی تحت سلطه آمریکا به افزایش قدرت این کشور کمک می کردند مثل سازمان تجارت جهانی، الان متفاوت شده اند. برآورد آمریکایی ها این است که عملکرد این نهادها به نفع آمریکا نیست و ارزش آن ها رو به کاهش است. هیچ گاه جایگاه بی طرفی که برای نهاد ها و سازمان های بین المللی تصور می شد و قرار بود مشکلات جهانی را حل کنند نه در گذشته و نه در حال وجود نداشت. در دولت ترامپ و در سند راهبرد امنیت ملی که منتشر شد علنا اعلام شده بود بسیاری از نهادهای بین المللی که آمریکایی ها تاسیس کرده بودند خیلی به نفع آمریکا کار نمی کنند. دلیلش هم همین است که دنیا عوض شده است. آمریکا دیگر نمی تواند به راحتی گذشته از این نهادها برای پیشبرد اهدافش استفاده کند. کشورهای دیگری هم در این نهادها قدرت آمریکا را تضعیف کرده اند. خلاصه اینکه با وجود ادامه کار این نهادها جایگاهی که برای آنها تصور شده بود محقق نشد و نخواهد شد.

**در سه سال گذشته اتفاقات بزرگی را در دنیا شاهد بوده ایم؛ اخیرا جنگ اوکراین بود، قبل آن بحث پاندمی کرونا را داشتیم و قبلش هم ترور حاج قاسم؛ اگر قرار باشد یک فصل مشترکی میان اتفاقات سه سال گذشته و موضوع نظم جدید جهان بخواهیم پیدا بکنیم به نظر تان این رخدادها در بازل این نظم نوین می گنجد؟ یا اینکه رخدادهای غیرمرتبطی بوده و کشورهای غربی از آن بیشترین سود را برده اند؟**

مهم ترین عاملی که باعث شد آمریکایی ها به اهدافشان در منطقه غرب آسیا که منطقه بسیار مهمی بود) دست نیابند، سردار سلیمانی بود. البته رهبرانقلاب فرمانده کل بودند و ایشان فرمانده میدانی بود. ایشان هم اجازه نمی داد آمریکایی ها به اهدافشان در منطقه برسند و هم آبروی آمریکایی ها را برده بود که این چه ابرقدرتی است که پروژه اش در غرب آسیا با شکست مواجه شده است؟! این تاثیرات پس از شهادت ایشان هم ادامه دارد؛ آمریکایی ها به اهدافشان در منطقه نرسیده اند و سردار نیز به قهرمان ملی تبدیل شده است. اینکه ما یک قهرمان ملی داشته باشیم از نظر فکری نیز کمک بزرگی است. بحث کرونا هم ویژگی های خودش را دارد. کرونا به همه کشورها ضربه زد و این ضربه در کشورهای غربی بیشتر بود؛ زیرا این کشورها پیشرفته تر بودند و محیط های پراچی کرده بودند که جمعیت در آنها متمرکز شود و محیط های متمرکز بیشتر دارند. طبیعتا آن کسی که در آفریقا در مزرعه کار می کند کمتر از ویروس کرونا متاثر می شود تا آن شخصی که در متروی پاریس رفت و آمد می کند. کرونا ضربه کمی نبود؛ به اقتصاد کشورها ضربه زد؛ حتی کشورهای غربی با تمام ادعایی که در حوزه حکمرانی داشتند نتوانستند پاندمی کرونا را مدیریت کنند. دیدیم که در آمریکا ۵۰ ایالت با هم بر سر منابع محدود مبارزه با کرونا مبارزه می کردند. جنگ اوکراین هم ضرری که برای غرب ایجاد می کند بیشتر از منفعتش است. اوکراین که نابود شده است و موضوع بحث نیست؛ اروپا به شدت ضرر کرده است و فشار اقتصادی درگیری با یک کشور همسایه بر دوش مردم اروپا افتاده است. جنگ ها



عکس: همشهری/ مهدی بیات



ممکن آن انسان را خواهند کشت چون آن فرد دیگر پیر شده است این همان چیزی است که نظم نوین جهانی به دنبال آن است و نظم نوین جهانی ۱۰۰ درصد با نظم نوین ایرانی در تضاد است چرا که از اساس با انسانیت مخالف است. یکی از تلخ‌ترین آثار سینمایی در این حوزه فیلم این تایم ساخت سال ۲۰۱۱ است و فیلم مهمی است که داستان زندگی آدم‌ها را معرفی می‌کند که ساعت‌هایی بر روی دستشان دارند و زمانی که این ساعت‌ها رو به پایان است باید آنرا شارژ کنند و دقیقا مشابه مدل چین است که به صورت بصری این را نشان می‌دهد و آدم‌ها عمر و حیات و زندگیشان به عددی بستگی دارد که به صورت دیجیتال بر روی دستشان حک می‌شود. لذا فقط کسانی در نظم نوین غربی حق زندگی دارند که دارای بالایی داشته و می‌توانند کار کنند و به محض اینکه این دارایی تمام بشود می‌میرند و امروز کرونا همین کار را برای غرب می‌کند و طبق آمار کشته‌ها در غرب بیشترین کشته‌ها کسانی هستند که کارائی ندارند و برای جامعه مضر هستند و بنده در مستند جنایت نامرئی نشان دادم که بومیان آمریکا که درصد کمی را دارند کشته‌هایی دو برابر سفید پوستان آمریکایی دارند و این یک کشتار بیولوژیکی و یک طرح پاک سازی نژادی است و یک کشتار وحشیانه به حساب می‌آید که در حال رخداد است و بسیاری از مردم دنیا در این باره نا آگاه هستند.

**جنایت نامرئی به عنوان جدیدترین اثر سینمایی شما به مفهوم نظم جدید جهانی اشاراتی داشته است. خواهشمندیم در این خصوص توضیحاتی را بفرمایید. آیا برنامه خاصی به پرداختن به این موضوع در قالب کارهای آتی نیز دارید؟**

مستند جنایت نامرئی در مجموع نظم نوین جهانی را از زوایای مختلف بررسی می‌کند و در نهایت با هشتاد رهنبر انقلاب که فرمودند؛ نظم نوین جدید شروع شده است و باید جای خود را در آن تعریف کنیم به پایان میرسد. این آغازی بر نظم نوین مد نظر ماست که بفهمیم در کجای آن قرار داریم و باید ساختارهای جهانی نظم مورد نظر ما آماده شده و در حوزه‌های مختلف ارائه شود و طراحی‌های جدیدی برای نظم نوین اسلامی جهت معرفی به مخاطبین باید صورت پذیرد. آغاز کرونا در چین یک اتفاق مشکوک بود زیرا بنده با مطالعات استراتژیک سر و کار داشته و بسیاری از اسناد را مطالعه کرده‌ام و به دلیل کار فیلم‌سازی و مستندسازی با بسیاری از وقایع جنگی دنیا که به نوعی با وسایل بیولوژیک پیوند دارد آشنایی داشته‌ام و قبل از خبر انتشار و بروس در کشور خودمان بنده به تحقیقاتی پرداخته بودم و در نهایت طرح کلی مستند جنایت نامرئی در اسفند ۱۳۹۸ زده شد. جنایت نامرئی محصول و نتیجه یک اتفاق بیولوژیک در جهان بود و بنده با هر قدمی که در دل این موضوعات برمی‌داشتم بیشتر به موضوعی به نام نظم نوین جهانی پی‌می‌بردیم و اسناد و گزارش‌هایی یافت می‌شد که همه در پی ایجاد یک نظم نوین جهانی در کنار همدیگر بود و هر کدام در این زمینه یک نقشی را ایفا می‌کردند.

متأسفانه خیلی از عزیزانی که در این حوزه کار می‌کنند پدیده نظم نوین جهانی را هر کدام در یک شاخه خاص مورد نظر قرار می‌دهند و کمتر دیده می‌شود که به همه ابعاد آن پرداخته شود. وقتی می‌گوییم نظم نوین جهانی یعنی در تمام بخش‌های سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی این نظم وجود دارد و اگر تمام جوانب را با هم ملاحظه نکنیم ممکن است با سندی مواجه شویم و مقابل آن بایستیم به طور مثال همین سند ۲۰۳۰ زیر مجموعه سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و... دارد و همه این‌ها در جهان در حال اجراست و گمان می‌کنیم اگر جلوی بخش آموزشی آن بایستیم این سند را نا کارآمد کرده‌ایم در صورتی که اینگونه نیست. نظم نوین جهانی که غربی‌ها امروزه به دنبال آن هستند حاصل ناتوانی آن‌ها در رسیدن به یک نظم



گفت‌وگو با سهیل سلیمی پیرامون نقش جریان سینمایی در تشکیل نظم جدید جهانی؛

# رسانه پیشرویی در حوزه تمدن‌سازی خلق نکردیم

تفصیل بیشتر این مطالبه می‌تواند کارساز باشد ابزار رسانه، ساخت مستندات و تولیدات سینمایی در این زمینه و پرداختن به آن است. مستند جنایت نامرئی ساخته سهیل سلیمی یکی از آن تولیداتی است که به این امر پرداخته است. از این رو با توجه به موضوع مطرح شده در گفت‌وگو با سهیل سلیمی، فیلم‌ساز و متخصص مطالعات استراتژیک به مسائل پیرامون نقش جریان سینمایی در نظم جدید جهانی پرداختیم که در ادامه مشروح این گفت‌وگو را می‌خوانید:

**از نگاه شما این آثار سینمایی به دنبال القای چه چیزی به مخاطب خود هستند و در نظر دارند چگونه نظم جدید جهانی را مطرح سازند؟**

امروز غرب از طریق کرونا به دنبال نفوذ به شکل بیولوژیک در وجود انسان‌ها است. همچنین این فضا در حالی است که در هوش مصنوعی به این سمت می‌رویم که انسان‌ها هم در حال کنترل هستند و ماشین‌ها بخش عمده‌ای از کار را انجام می‌دهند و کنترل انسان‌ها را به عهده دارند و هر آنچه به انسان‌ها بگویند انجام می‌دهند. این موضوع بردگی را کامل می‌کند که البته از طریق اقتصاد هوش مصنوعی صورت می‌گیرد. اقتصاد هوش مصنوعی اقتصادی است که از طریق پول دیجیتال در دنیا رقم می‌خورد، تمام قدرت یک انسان به این است که بتواند اگر جایی کار می‌کند یک پس انداز داشته باشد که خود را سیر کند اگر شما ارز دیجیتالی تولید کنید و به انسانی که مکانیزه شده بدهید و کنترل استفاده از آن ارز به دست شما باشد دیگر شما این انسان را به بردگی گرفته‌اید و انسانی را دارید که کاملا تحت کنترل شما است و حیات و ممات آن کاملا به دست شماست و همچنین این که کار و تلاش کند و به خاطر آن دستمزدی دریافت کند به دست شماست و امروزه خیلی از کمپانی‌ها در چین دستمزد کارگرها را به شکل رمز ارز می‌دهند و برای آن تاریخ تعیین می‌کنند که این پول تا سه ماه اعتبار دارد و این یعنی انسانی که بردگی مالی در حوزه رمز ارز دارد و باید این پول را هزینه کند و وقتی این پول تمام شد و آن آدم هم توان کار کردن نداشت در واقع به کثیف‌ترین حالت

میان مدت آماده نقش‌آفرینی در تحولات جهانی به سود جبهه حق شوند. تأکید بر آمادگی برای دوران تحول در نظم جهانی و پس از آن، در دیدار با دانشجویان ۶/۲/۱۴۰۱ نیز انجام گرفت و در نهایت در دیدار با دانش‌آموزان مورخ ۱۱/۸/۱۴۰۱، ایشان محورهای اساسی نظم آینده جهان را بیان نمودند. موضوع نظم نوین جهانی و ایجاد یک جهان یکپارچه از مفاهیم مهمی است که رهبر معظم انقلاب بارها به آن تأکید داشته‌اند و مطالبه کرده‌اند که برای این نظم باید طرحی ارائه داده شود. یکی از ابزارهایی که برای

اول تغییراتی ایجاد می‌شود و البته جنگ جهانی دوم را رقم می‌زند و نظم جاری تا ۱۹۹۰ که فروپاشی دیوار برلین رقم می‌خورد پا برجا باقی می‌ماند و بعد از آن نظم جدید که موضوع بحث ما است بسیار پر طمطراق و بسیار پر سر و صدا خودش را به جهان معرفی می‌کند تا جایی که فوکویاما مبحثی را با عنوان پایان تاریخ آغاز می‌کند که تاریخ تا پایان ۱۹۹۰ یک رویکردی را داشته است و بعد از آن تمام می‌شود و این لیبرال دموکراسی است که قرار است جهان را تا انتها مدیریت کند البته این نظر فوکویاما بسیار ساده اندیشانه می‌باشد. بعد از ۱۹۹۰ در ۱۱ سپتامبر سال ۲۰۰۱ آمریکایی‌ها با ترفندی اقدام به فروپاشی برج‌های دوقلو تجارت جهانی توسط یک هواپیما در نیویورک می‌شوند و برخورد هواپیما با این برج‌ها باعث می‌شود و تا طبقه زیرزمین فرو بریزد که کمدی تلخی است که متأسفانه خیلی‌ها باور کرده‌اند این فضا و ایجاد نظم نوین توسط این رفتارها به وسیله آمریکایی‌ها ادامه پیدا کرد و حمله به کشورها به بهانه ۱۱ سپتامبر در دستور کار قرار می‌گیرد.

در ادامه ما همین روند را در آثار سینمایی می‌بینیم و در این دو دهه کمتر آثاری می‌بینیم که توسط هالیوود ساخته شده و موضوع آن نظم نوین نباشد و برعکس آن صادق نیست و همه فیلم‌ها به نوعی به این موضوع می‌پردازند و در فواصل ۱۹۹۰ تا ۲۰۰۱ فیلمی به نام ۲۰۱۲ ساخته می‌شود که قرار است پایان دنیا را برای ما روایت کند و این فیلم حوالی ۱۱ سپتامبر اکران می‌شود و این نشان می‌دهد که رسانه آمریکا برای نظم نوین جهانی برنامه دارد.



رهبر انقلاب اسلامی سال گذشته در پیامی که خطاب به انجمن‌های اسلامی اروپا صادر نمودند، جنگ اوکراین را نشانه‌ای از تغییر نظم جهانی برشمردند و در این میان، نخبگان را دارای وظایفی خطیر دانستند که در کوتاه‌مدت، می‌بایست جبهه‌بندی‌ها و صف‌آرایی‌های موجود را به درستی بشناسند و در

**در سال‌های اخیر مفهوم نظم جدید جهانی در فضای رسانه‌های و علوم سیاسی بر سر زبان‌ها افتاده است. شکل‌گیری چنین ادبیاتی در جهان، مستلزم حضور سینما و رسانه و جریان‌سازی‌های صورت گرفته است تا مردم جهان پذیرای آن باشند. جناب‌عالی به عنوان یک سینماگر در این عرصه آیا آثار خاص یا جریان سینمایی خاصی را مشاهده کرده‌اید؟ در این خصوص چه مواردی را می‌توانید نام برده و توضیح دهید.**

اساساً نظم دادن به جهان و ایجاد یک جهان منظم آرزوی همگان بوده است که کسانی که قدرت و استیلا در جهان داشتند این نظم را ایجاد کنند و نظم جهانی پدیده‌ای است که از گذشته‌های دور امپراطوری‌ها به دنبال تحقق آن بوده‌اند اما در هر دوره چگونه این نظم ایجاد شده است تفاوت‌های زیادی داشته و در هر عصر نسبت به عصر دیگر متفاوت بوده است. در نظم نوین اساساً واژه نوین آن مهم است و به دنبال این نظم همواره بوده‌اند اما نظم نوین اولین بار در ۱۱ سپتامبر ۱۹۹۰ توسط بوش پدر اعلام شد که محصول یک سری از اتفاقات بوده که در دوره قبل از خودش رخ داده است و اگر به تاریخ مراجعه کنیم قبل از جنگ جهانی اول نوعی نظم خاص بر پایه استعمار شکل گرفته بود که استعمارگران با یکدیگر بر سر مستعمرات خود می‌جنگیدند و هر کس که پیروزی می‌شد قوانین را برای چپاول دنیا به شیوه خودش وضع می‌کرد و البته دیگران هم در این بین سهمی می‌گرفتند. بعد از جنگ جهانی



# معرفی کتاب



محمد جهاد

کارشناس ارشد روابط بین الملل

افول نظم تک‌قطبی در جهان به رهبری آمریکا موضوعی است که نظر بسیاری از اندیشمندان و چهره‌های مطرح در حوزه مردم‌شناسی، روابط بین‌الملل و دیپلماسی را به خود جلب کرده است. منتقدان و طرفداران نظم تک‌قطبی با وجود اختلاف نظر درباره مطلوب بودن این نظم، در این امر توافق دارند این وضعیت با شکل کنونی

آن تداوم نخواهد یافت و دیری نمی‌پاید که شاهد افول آن و ظهور نظم جدیدی خواهیم بود. منتقدان وضعیت موجود با توجه به وضعیت اقتصادی آمریکا رویکرد نظامی و مهم‌تر از همه ظهور قدرت‌های جدید اقتصادی و نظامی را عامل افول نظم تک‌قطبی موجود و ظهور یک نظم جهانی جدید دانسته‌اند. در ادامه دو اثر از مهم‌ترین آثار در حوزه تغییر نظم جهانی و ظهور یک نظم جهانی جدید که به زبان انگلیسی و فارسی انتشار یافته، به اختصار معرفی شده است.

## تأملی در ویژگی‌ها و جریان تاریخ



هنری کسینجر که یکی از مهم‌ترین نظریه‌پردازان و استراتژیست‌های بهودی - غربی است، مطالب بسیاری در خصوص نظم نوین جهانی به صورت‌های کتاب، مقاله و سخنرانی بیان کرده است. در این بین یکی از مهم‌ترین آثار وی، کتاب «نظم جهانی، تأملی در ویژگی‌ها و جریان تاریخ» است که از مبانی و تعاریف نظم نوین جهانی تا شرایط مناطق مختلف جهان و تمدن‌های حال حاضر را در بر می‌گیرد. از جمله تمدن‌های مورد بررسی توسط کسینجر در کتاب نظم جهانی، تمدن اسلامی است که پس از پیروزی انقلاب اسلامی به امامت امام خمینی (ره)، جانی تازه یافته و در روند بازگشت به جایگاه والا و اصیل خود است.

ادامه گفت‌وگو با سهیل سلیمی ... مقتدرانه و سریع است و آن‌ها گمان می‌کردند که ظرف ۲۰ سال بتوانند نظم نوین خودشان را با ایجاد جنگ‌های پرتکرار در جهان حاکم کنند و وقتی که با مقاومت کشورهای مستقل خصوصاً ایران و رهبر معظم انقلاب مواجه شدند این نقشه‌ها نقش بر آب شد و امروزه با وجود اینکه ما احساس می‌کنیم آن‌ها خیلی قدرتمند شده اند اما واقعیت اینگونه نیست و اروپا و آمریکا از لحاظ اقتصادی در حال فروپاشی هستند و از نظر قدرت نظامی دست برتری در منطقه ندارند پس تنها کار این است که ابزار نوین جهانی را به شکل پیوسته و یکجا در قالب مجموعه‌ای منسجم علیه کشورهایی که علیه آن‌ها هستند پیاده کنند و می‌بینیم که علیه جمهوری اسلامی چه حمله‌ها و فتنه‌هایی را طراحی کردند و سعی داشتند با ایجاد آشوب در ایران و ایجاد جنگ‌های نامنظم فتنه گسترده‌ای را رقم بزنند و پس از آن ایران را به سمت تجزیه بکشاند البته این را می‌دانند که با ایران واحد هرگز نمی‌توانند بجنگند زیرا این موضوع را در سوریه تجربه کرده اند و طبیعتاً تنها راه نجات آنها تجزیه ایران است و تمام انرژی و توان خود را برای تجزیه ایران گذاشته اند تا بتوانند نظم نوینی را که می‌خواهند اجرا کنند و ایران را حذف کنند. شما مشاهده می‌کنید که به همین صورت روسیه را با یک جنگ فرسایشی اسیر کرده‌اند تا نتواند عرض اندامی در مقابل رفتارهای دیگر آن‌ها داشته باشد و در حوزه‌های دیگر عقب نشینی کند. استراتژی غرب به حالت یک درپوزگی و یک وضع خفت بار افتاده است و قصد دارد با نظم نوین جهانی از فروپاشی خود جلوگیری کند و سابقاً این موضوع در تاریخ به چشم می‌خورد به طور مثال برای فروپاشی عثمانی از همین شیوه‌ها استفاده کرده‌اند و بحث‌های اقتصادی علیه آنها به کار بردند. اما این نظم نوین به دنبال بردگی انسان است به عنوان مثال تا زمانی آمریکا پیشرفت می‌کرد که در آن تفکر برده داری وجود داشت این‌ها بعد از حذف قوانین برده داری هیچ پیشرفتی نکردند و این ضرب المثل در آمریکا وجود دارد که بعد از حذف قانون برده داری هیچ ساختمان بلندی در آمریکا ساخته نشد و این ضرب المثل جدی است و دقیقاً همین طور است که بعد از اینکه دستشان از استعمار خاورمیانه کوتاه شد ضربه سنگینی به اقتصاد آمریکا وارد شد و آنها همگی به این آگاهند و می‌خواهند این را اصلاح کنند اما این بار این اصلاح فرق عمده‌ای با گذشته دارد که ما در مستند جنایت نامرئی دقیقاً به این موضوع پرداخته‌ایم.

## شناسنامه

فصلنامه دانشجویان مستقل

صاحب امتیاز و مدیر مسئول:

علی خضریان

قائم مقام:

محمد رضا حیاتی

سردبیر:

مسلم خلخال

مسئول پرونده:

سجاد باقری

روابط عمومی:

حسین احسانی‌زاده

همکاران:

محمد جهاد - علی پیراینده - زهرا پلوئی - حسین احسانی‌زاده

ترتیب انتشار:

فصلنامه

زمینه انتشار:

سیاسی اجتماعی

چاپخانه: هدف نوین

آدرس: تهران، میدان فردوسی، خیابان ایرانشهر، پلاک ۲۶ واحد ۲

تلفن: ۰۹۳۷۰۷۴۸۵۵۰ - ۰۲۱۸۸۸۲۹۲۷۵

## دیپلماسی و جاسوسی



کتاب «جنگ جهانی چهارم: دیپلماسی و جاسوسی در عصر خشونت»، به قلم الکساندر دومارانش (ملقب به کنت دومارانش) است که ویرایش نخست آن در سال ۱۹۹۲ میلادی منتشر شده است. دومارانش که رئیس سابق سازمان اطلاعات و امنیت فرانسه بوده در این کتاب، برای نخستین بار به وقوع جنگ جهانی چهارم اشاره نموده و هم‌اکنون مطالب مرتبط با آن را تشریح کرده است.

وی از سال‌های پایانی جنگ جهانی سوم و پیش از فروپاشی شوروی، وقوع جنگ جهانی چهارم را مبتنی بر انقلاب اسلامی ایران مطرح و آن را یک جنگ جهانی با ماهیت مذهبی و اعتقادی دانست. از نگاه دومارانش، تحقق نظم نوین جهانی، کاملاً در گرو این است که کدام یک از صف‌های اصلی نبرد در جنگ جهانی چهارم بر طرف مقابل پیروز می‌شوند؟ هر کدام که پیروز شود، نظم جهان آتی را مبتنی بر الگوی خود تعیین خواهد کرد.

به یک نظم جهانی و نوین ابزار رسانه است. تا شما نتوانید که افکار مردم را با خود همراه کنید هرگز نمی‌توانید آنها را تحت سیطره خودتان بیاورید زیرا ابتدا باید آن افراد موضوع را در ذهن بپذیرند و این هژمونی را قبول کرده و در عمل به آن تن دهند. آمریکایی‌ها با توجه به شناخت بسیار عمیق و دقیقی که از قدرت رسانه دارند بیش از صد سال است که از این قدرت برای نفوذ در بین ملت‌ها استفاده می‌کنند و حتی اگر تاریخ را نگاه کنیم به نقش روزنامه‌ها و مطبوعات پی خواهیم برد که توسط حکومت‌ها و غرب اداره می‌شدند. البته امروزه همه ابزارها در کنار فضای مجازی است و این نکته‌ای است که مدیران فرهنگی ما از آن غفلت کرده‌اند.

فضای مجازی مثل فشنگ‌های یک اسلحه است و تا آن اسلحه اصلی وجود نداشته باشد آن فشنگ‌ها کارایی ندارد. اگر شما هژمونی غرب را در سلطه علمی، سیاسی، امنیتی و فرهنگی نبینید آن وقت زمانی که وارد فضای مجازی می‌شوید با یک اپلیکیشن مواجه می‌شوید که می‌خواهد با آن مبارزه کنید و این اشتباهی است که سال‌ها در کشور ما وجود دارد و هر مسئول به موضوع و مشکلات فضای مجازی اینگونه می‌پردازد که به دنبال این فشنگ‌ها است و می‌خواهد آن را ناکارآمد کند در صورتی که اسلحه وجود دارد و آنها می‌توانند فشنگ خود را عوض کنند و لزومی ندارد که حتماً در فضای مجازی حضور داشته باشند و شما می‌بینید که ماهواره‌ها همین کار را می‌کنند. سلطه‌ای که غرب دارد و به دنبال نظم نوین است یک سلطه همه جانبه است که رسانه‌ها بخش عمده و جدی آن را تشکیل می‌دهند در ادامه ما اگر هژمونی غرب را در علم نبینیم هر چه قدر کار رسانه‌ای انجام بدهیم اثری نخواهد داشت زیرا امروزه دانشگاه‌های ما آلوده است و تا وقتی که این آلودگی در علوم دانشگاهی در تمام رشته‌ها زوده نشود آن هژمونی ادامه پیدا خواهد کرد درست است که شاید با کار رسانه‌ای شدن آن کمتر شود اما اینکه بتوانیم با این شیوه‌ها آن را از بین ببریم اینگونه نیست و ما به یک شیوه همه جانبه نیاز داریم تا از طریق آن بتوانیم در مقابل این قدرت و تهاجم از خود محافظت کرده و از این پیچ تاریخی عبور کنیم.

شاید ترسناک‌ترین نکته برای بنده به عنوان یک مستند ساز در این زمینه نداشتن سینما و رسانه آگاه است و ترسناک تر از همه نداشتن یک جریان فرهنگی هنری آگاه در کشور ماست و مهم‌تر از همه با وجود تاکیدات رهبرانقلاب کارهای مفید علمی جهت تحقق تمدن نوین ایرانی اسلامی به صورت کامل صورت نگرفته است متأسفانه شاهد آن هستیم که آثار رسانه‌ای ما هیچ کدام به این موضوع اشاره نکرده‌اند و هیچ نشانه‌ای در آن‌ها نیست و حتی حس می‌شود که تعمدی جهت نادیده گرفتن این ابر پروژه وجود دارد و این بسیار ترسناک است زیرا ما مهمترین ابزار انتقال قدرت فکری خودمان را از دست داده‌ایم و من معتقد هستم که در گذشته هم نداشتیم و در طول این ۴۰ سال رسانه پیشرویی در حوزه تمدن سازی خلق نکرده‌ایم و با اتفاقاتی که رخ می‌دهد همواره سال‌ها فاصله نوری داریم.

به طور مثال در همین موضوع پدیده داعش وقتی که به آثار تولید شده نگاهی می‌اندازیم مشاهده می‌کنیم که به این موضوع به بدترین شکل ممکن پرداخته شده است و ضعف بزرگی در تهیه این آثار سینمایی به چشم می‌خورد به طور مثال سریال پایتخت به ماهیت مدافعان حرم لطمه زد و آدم‌هایی را نشان داد که از سر ناچاری یا ناآگاهی به آن سمت رفته‌اند و این جزو یکی از مشکلات بزرگ هنرمندان و فیلم‌سازان در تهیه آثار تمدنی در کشور است. امید است که روزی برسد که ما رسانه‌های آگاه داشته باشیم و طبیعتاً این رسانه‌های آگاه توسط انسان‌های آگاه ساخته می‌شود و ما تا تحقق آن باید به آگاهی جامعه کمک کنیم تا تمدن نوین اسلامی محقق گردد.

با توجه به اینکه در کشور ما از سالیان پیش مفهوم تمدن نوین اسلامی تئوریزه شده و رهبر انقلاب در بیانیه گام دوم آن را برجسته کرده و به عنوان یک مأموریت مطرح کرده‌اند، در سال‌های اخیر عرصه سینما و هنر چگونه در زمینه سازی برای پیاده‌سازی آن کار کرده است؟ آیا روند این آثار مناسب بوده و جوابگو است یا باید برنامه‌ریزی خاصی برای تولید چنین آثاری داشت؟

آن چیزی که تمدن نوین اسلامی به دنبال آن است این است که انسان را به تعالی برساند و این توحشی که انسان را در جهان گرفته از بین برود و این با آزاد کردن انسان از بند نفسانیت محقق می‌شود و دومین مطلب این است که اسلام اساساً انسان را برای امر به معروف و نهی از منکر آزاد می‌خواهد و اگر رویکرد انسان به سمت منکر باشد مسیر را غلط رفته‌ایم و این روند به صورت فرد به فرد رخ میدهد و در روند تعالی یک جامعه متعالی پیش می‌آید و در نهایت به تمدن نوین خواهیم رسید و این تعالی باید برای ایران اسلامی رخ دهد و صادر شود و مردم جهان تشنه یک چنین وضعیتی هستند.

قدرت‌هایی که دارای سلطه هستند وقتی می‌خواهند نظمی را ایجاد کنند به ابزارهای متفاوتی نیاز دارند طبیعتاً در حال حاضر مهمترین ابزار برای رسیدن